

گسترش فقر در سرزمین بودا!

هزاران کودک بامیانی به کارهای شاقه مجبور شده‌اند



مسولان شبکه عمل کرد محافظت از کودکان در زون مرکزی کشور می‌گویند وضعیت بسیاری از کودکانی که در ولایت بامیان مصروف کارهای شاقه می‌باشند، نگران‌کننده است. به گفته نهادهای مدافع حقوق کودکان، کودکان آسیب‌پذیر بسیاری در بامیان و برخی دیگر از ولایت‌های مرکزی کشور، به آموزش و پرورش، خدمات صحتی، مکان مناسب زنده‌گی و غذای سالم دسترسی ندارند و از همه حقوق اولیه محروم‌اند. شماری از کودکانی که در فصل سرما مشغول کارهای شاقه‌اند، نیز می‌گویند که به دلیل فقر اقتصادی، به کار در بیرون از خانه مجبور می‌شوند. افزون بر این کودکانی که در بازار بامیان کار می‌کنند، از برخورد خشونت‌آمیز والدین‌شان نیز شکایت دارند.

۳



سه سال بلاتکلیفی؛

سرنوشت دارالمعلمین‌ها هنوز ناروشن است

۳

مسوولیت ملل متحد در قبال صلح افغانستان

۴

بر سلطان جهان چه می‌گذرد؟

شورش کودتاگرانه دونالد ترامپ در مقابل نظام سیاسی امریکا ناکام ماند؛ ولی این شورش توانست ستون ارکان قدرت امریکا را به شدت بلرزاند. علت اساسی واقع‌شدن چنین حادثه‌ای که نزدیک بود به فاجعه بزرگ سیاسی تبدیل شود، استحاله‌شدن یکی از مهم‌ترین احزاب سیاسی امریکا (جمهوری‌خواهان) به مریدان کیش شخصیت‌پرستی دونالد ترامپ است.



کار ساخت راه آهن آقینه - اندخوی تکمیل شد

وزارت صنعت و ارتباط ترکمنستان امضا شده بود. اداره خط آهن گفته است که ایستگاه راه آهن آقینه - اندخوی به صورت اساسی ترمیم شده است که روزانه صدها تن کالای تجاری در آن بارگیری و تخلیه می‌شود. کار ساخت راه آهن آقینه - اندخوی در ماه اسد سال گذشته آغاز شده بود. راه آهن آقینه - اندخوی افغانستان را به ترکمنستان وصل می‌کند. در بیستم قوس امسال خط آهن خواف - هرات نیز گشایش یافت. در مراسم گشایش این خط آهن، محمدشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان و حسن روحانی، رئیس جمهور ایران، از طریق ویدیو کنفرانس شرکت کردند.

۸صبح، کابل: طبق اعلام اداره خط آهن، کار ساخت راه آهن آقینه - اندخوی تکمیل شده است و در آینده نزدیک از سوی مقام‌های افغانستان و ترکمنستان افتتاح می‌شود. راه آهن آقینه - اندخوی ۳۰ کیلومتر طول دارد. اداره خط آهن می‌گوید که ساخت راه آهن آقینه - اندخوی ۳۰ میلیون دالر هزینه برداشته است که از بودجه توسعه‌ای این اداره پرداخته شده است. پروژه ساخت راه آهن آقینه - اندخوی شامل ایستگاه راه آهن، جاده اتصالی، محل تخلیه و بارگیری، ایستگاه موتور باربری و دیوار احاطه‌ای است. قرارداد ساخت این راه آهن یک سال پیش با



کارخانه اسپین‌زر کندز با ظرفیت تولید ۱۰ تن روغن در یک شبانه‌روز دوباره فعال شد

۸صبح، کابل: وزارت صنعت و تجارت اعلام کرد که کارخانه تولیدی اسپین‌زر کندز پس از ۲۵ سال دوباره فعال شده است. فواد احمدی، سخنگوی وزارت صنعت و تجارت، روز سه‌شنبه، بیست‌وسوم جدی به روزنامه ۸صبح گفت که این کارخانه با سرمایه‌گذاری ۱۲۰ هزار دالر کارش را دوباره آغاز کرده است. به گفته احمدی، کارخانه اسپین‌زر کندز ظرفیت تولید ۱۰ تن روغن را در شبانه‌روز دارد. در کنار آن، کارخانه اسپین‌زر روغن زغره، کنجد، پنبه‌دانه/کنجاره و نیز صابون تولید می‌کند. سخنگوی وزارت صنعت و تجارت گفت که کارخانه اسپین‌زر افزون بر این که احتیاجات



«پیش از صلح، واضح بسازید که چه کسانی از خون اولاد ما سود بردند؟»



بیش از ۷۰ روز از رویداد خونین دانشگاه کابل می‌گذرد، اما تبدیل شدن داستان مرگ آدم‌ها به یک رویداد زودگذر، از بیماری‌های مسری افغانستان جنگ‌زده است. بیش‌تر مردم آن‌چه بر قربانیان گذشت را از یاد برده‌اند، اما پیرمردی در کابل هست که این هفتاد روز به اندازه هفتاد سال قامتش را خم کرده است. او در این جریان از بستر بیماری برنمی‌خیزد و...

۷



آریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

انتقال مریضان با خدمات ویژه
به کشور هندوستان

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI DEP: 10:00 AM Local Time ARR: 01:00 PM Local Time
DELHI - KABUL DEP: 02:30 PM Local Time ARR: 03:30 PM Local Time

☎ +93 (0) 790 07 1333 | ✉ flyariana.com | 1333



#آریانا_از_شماست

پاکستان در صدد تسلط بر روند صلح افغانستان است

پاکستان با چهار گروه از بازیگران صلح افغانستان در گفت‌وگو و تماس مستقیم قرار دارد. سه گروه آن شامل بازیگران داخلی افغانستان می‌شود. گروه چهارم شامل بازیگران جهانی است. این تماس وسیع، نشانه حساسیت پاکستان نسبت به مسأله صلح افغانستان است.

سیاست اعلامی پاکستان، در حمایت از روند صلح افغانستان قرار دارد. طبق این سیاست، پاکستان به دنبال گفت‌وگو بین تمام طرف‌های جنگ است. این کشور اعلام کرده است که گزینه نظامی راه‌حل نیست و باید طرف‌های جنگ با هم گفت‌وگو کنند. این کشور در راستای همین سیاست تاکنون با سه گروه از بازیگران داخلی صلح افغانستان در تماس و رابطه مداوم بوده است. گروه اول، شامل نهادهای رسمی دولت افغانستان می‌شود که با آن‌ها تماس مستقیم دارد. در این گروه، ارگ ریاست جمهوری، وزارت امور خارجه و پارلمان افغانستان شامل می‌شوند. دولت پاکستان در تماس با این نهادها روی توافقاتی کار کرده است که دو کشور را به رعایت اصل حسن هم‌جواری و عدم مداخله در امور یکدیگر ملزم نگه می‌دارد.

گروه طالبان دومین دسته از بازیگران صلح افغانستان است که پاکستان با آن در تماس مستقیم است. این گروه از بدو تأسیس تاکنون مورد حمایت پاکستان بوده است. پاکستان از موسسان این گروه نیز تلقی می‌شود. روشن است که جایگاه آینده گروه طالبان در افغانستان، برای پاکستان مهم است. به همین دلیل، اسلام‌آباد بیش‌ترین تماس را با طالبان در پیوند به صلح افغانستان داشته است.

گروه سوم، شامل رهبران احزاب و چهره‌های سیاسی بیرون از حکومت افغانستان است. در این سطح، مقامات پاکستان تاکنون با گلبدین حکمتیار، لطیف پدram و محمدکریم خلیلی از نزدیک دیده‌اند. قرار است این تماس‌ها با سایر چهره‌های سیاسی افغانستان از جمله حامد کرزی نیز برقرار شود. مقدمات این کار فراهم شده است.

پاکستان در کنار این گروه‌ها با قدرت‌های جهانی و بعضی از بازیگران منطقه‌ای هم در پیوند به صلح افغانستان در تماس و گفت‌وگو است. از این میان، اسلام‌آباد بیش‌ترین تماس را با امریکا داشته است. چین، ترکیه و ایران از بازیگران دیگری است که پاکستان با آن‌ها وارد گفت‌وگو شده است.

این تماس‌ها و گفت‌وگوهای وسیع، بیش از هر چیزی نشانه حساسیت پاکستان در قبال صلح و آینده افغانستان است. در این تماس‌ها عمدتاً نگرانی‌ها و امیدهای پاکستان نسبت به روند صلح افغانستان مورد بحث بوده است. هم‌چنان اقدامات مشترکی که بتواند این نگرانی‌ها را رفع و اسلام‌آباد را به امیدهایش برساند. پاکستان تصور می‌کند که به این هدف نخواهد رسید، مگر آن‌که تمام بازیگران صلح افغانستان یا دست‌کم اکثریت آن‌ها را با خود هم‌سو کند. با هم‌سویی این بازیگران، هدف دیگر پاکستان که تسلط بر روند صلح افغانستان است نیز به دست خواهد آمد.

پاکستان می‌خواهد که افغانستان پس‌اصالح، مامن گروه‌های جدایی‌طلب پاکستانی نباشد و در سیاست خارجی خود با هند اگر دشمن نیست، دوست هم نباشد. هم‌چنان به ادعای مرزی خود پایان بدهد و مسیر عبور پاکستان به آسیای میانه را نیز رایگان به روی پاکستان باز بگذارد. از همین‌رو، پاکستان در سطوح مختلف با این بازیگران در تماس است و برای هر کدام مطابق ترجیحات آن‌ها وعده هم‌کاری می‌دهد.

واقعیت اما این است که پاکستان سال‌های متمادی است به این هدف نرسیده است. کوشش این کشور برای ایجاد حکومت مطیع و دست‌نشانده در افغانستان نیز تاکنون ناکام بوده است. بعید است که این بار نیز پاکستان به این هدف برسد.

بارها گفته شده است که بی‌ثباتی و ناامنی در افغانستان به نفع پاکستان نیست. این یک واقعیت است. بخشی از ناامنی‌ها و بی‌ثباتی سیاسی در پاکستان از ناامنی‌ها و وضعیت سیاسی در افغانستان متأثر بوده است. این وضعیت ضمن آن‌که برای پاکستان، تلفات انسانی به همراه داشته، باعث خسارت اقتصادی نیز شده است.

وعده پاکستان برای سران احزاب و چهره‌های سیاسی افغانستان مبنی بر ایجاد حکومت موقت، سازنده نیست. هم‌چنان حمایت این کشور از طالبان برای برقراری نظم سیاسی تھی از جمهوریت نیز سودمند نیست. تضعیف دولت مرکزی با استفاده از این بازیگران نیز نمی‌تواند باعث توافق مطلوب صلح در افغانستان شود. بهترین راهکار آن است که همه بازیگران برای توافق روی نظم سیاسی جمهوری ترغیب شوند و از حوزه جمهوری‌خواهان افغانستان حمایت همه‌جانبه صورت گیرد. در افغانستان توافق صلحی پایدار خواهد ماند که ارزش‌های جمهوریت در آن متبلور شود. بدیهی است که اولین کشوری که از این صلح نفع خواهد برد، پاکستان است؛ کشوری که تا این دم به دنبال منافع خود با استفاده از بی‌ثباتی افغانستان بوده است.

آماده‌گی برای آغاز آب‌گیری بند کمال خان در نیمروز



۸صبح، کابل: مقام‌های اداره ملی تنظیم امور آب، از آماده‌گی برای آب‌گیری بند کمال‌خان در ولایت نیمروز خبر می‌دهند.

خان محمد تکل، رییس این اداره، در صفحه رسمی فیس‌بوکش نگاشته است که «دو قدم» برای تکمیل شدن بند کمال‌خان باقی مانده است. به گفته او، در آینده نزدیک شاهد روند آب‌گیری و ذخیره‌سازی آب در بند کمال‌خان خواهیم بود و آرزوی دیرینه مردم، عملی خواهد شد.

رییس جمهور غنی ماه اسد امسال در سفری به ولایت نیمروز و بازدید از بند کمال‌خان، وعده داد که آب‌گیری این بند در ماه قوس آغاز می‌شود.

یک کارمند کابل بانک در مرکز شهر غزنی ترور شد

بیست‌وسوم جدی رخ داده است. سخنگوی پولیس غزنی این حمله را به «تروریستان» نسبت داده است. مهاجمان از «تفنگ‌چه بی‌صدا» برای کشتن او کار گرفته‌اند.

سیرت افزود که تحقیقات پولیس درباره این حادثه آغاز شده است. مسوولیت این حمله را فرد و یا گروهی بر عهده نگرفته است.

در هشتم جدی نیز دو کارمند مستوفیت در مرکز ولایت غزنی ترور شدند.

در پیوند به این رویداد دو تن بازداشت شده‌اند که طبق اعلام ریاست عمومی امنیت ملی، یکی از بازداشت‌شده‌گان زندانی ره‌اشده گروه طالبان بوده است. بازداشت‌شده‌گان به کشتن رحمت‌الله نیکزاد، رییس اتحادیه خبرنگاران غزنی نیز متهم شده‌اند.



۸صبح، کابل: نصیراحمد عثمانی، کارمند کابل بانک در مرکز ولایت غزنی ترور شده است. احمدخان سیرت، سخنگوی پولیس غزنی می‌گوید که او هنگامی که از خانه به سوی محل وظیفه خود در حرکت بود، در نزدیک خان‌اش در شهرک حاجی رفیق از مربوطات ناحیه دوم شهر غزنی به ضرب گلوله کشته شده است. این رویداد ساعت ۸:۰۰ صبح روز سه‌شنبه،

هفت بیمار کرونایی در شبانه‌روز گذشته در کشور جان باختند



کشور فعال هستند. وزارت صحت عامه می‌گوید که روند ابتلا و مرگ‌ومیر ناشی از ویروس کرونا در هفته‌های اخیر کاهش یافته است.

موج دوم ویروس کرونا در ۲۸ عقرب به صورت رسمی تأیید شد.

وزارت صحت عامه مردم را توصیه کرده است که ماسک بپوشند و تدابیر احتیاطی را برای جلوگیری از ابتلا به ویروس کرونا و انتشار آن روی دست گیرند.

مقام‌ها از شیوع موج سوم و نیز گونه‌ی جهش یافته ویروس کرونا هشدار داده‌اند.

نوع تازه ویروس کرونا در برخی از کشورها از جمله هند، ایران و پاکستان در همسایگی افغانستان شناسایی شده است.

وزارت صحت عامه آزمایش کرونا از کسانی را که به کشور سفر می‌کنند، الزامی کرده است.

۸صبح، کابل: وزارت صحت عامه اعلام کرد که در شبانه‌روز گذشته هفت بیمار کرونایی در کشور جان باخته و ۱۰۶ بیمار جدید شناسایی شده‌اند.

طبق اعلام وزارت صحت عامه، در ۲۴ ساعت گذشته یک هزار و ۲۰۲ نمونه‌ی مشکوک به کرونا در کشور آزمایش شده است.

به همین ترتیب، در شبانه‌روز گذشته ۴۷۲ بیمار کرونایی صحت‌یاب شده‌اند.

آمار وزارت صحت عامه نشان می‌دهد که تاکنون ۵۳ هزار و ۶۹۰ تن به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند. از این میان دو هزار و ۳۰۸ تن جان باخته و ۴۴ هزار و ۶۰۸ تن دیگر بهبود یافته‌اند. وزارت صحت عامه تاکنون ۲۱۷ هزار و ۷۵۲ نمونه مشکوک به کرونا را تاکنون بررسی کرده است.

همین اکنون هشت هزار و ۲۱۶ بیمار کرونایی در

دادخواهی خبرنگاران هراتی برای یمایا سیاوش



۸صبح، هرات: خبرنگاران و فعالان رسانه‌های هرات، برای دادخواهی در مورد پی‌گیری قتل یمایا سیاوش، خیمه‌ی اعتراضی برپا کردند. آنان با گردآوری امضا از باشندگان هرات قصد دارند در نهادهای جهانی و شورای امنیت سازمان ملل متحد، پرونده قتل سیاوش را دنبال کنند.

وحید کام‌یار، از فعالان رسانه‌های هرات باور دارد، بانک مرکزی و حکومت افغانستان در مورد چگونگی انفجار موتر یمایا سیاوش وضاحت نداده است و خبرنگاران اجازه نمی‌دهند خون او پای‌مال شود.

زبیر صمیمی، مسوول یکی از رسانه‌های محلی در هرات، پافشاری دارد که ترورهای زنجیره‌ای و قتل‌های هدفمند خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای در کشور نگران‌کننده است و فعالان رسانه‌ای به بهای خون‌شان، اجازه نمی‌دهند «صدای آزادی بیان» خفه شود.

برپاکننده‌گان خیمه‌ی اعتراضی تأکید می‌کنند که برنامه‌های مشابهی را برای گردآوری امضا در سایر ولایت‌های کشور نیز برگزار خواهد شد و امضاها را گردآوری شده از طریق خانواده سیاوش به سازمان ملل تحویل می‌شود.

چند روز پیش، محمداوود سیاوش، پدر یمایا سیاوش، شکایت‌نامه‌ای را به آدرس شورای امنیت سازمان ملل متحد و دفتر نماینده‌گی سیاسی این سازمان در کابل نوشت و خواهان پی‌گیری قتل فرزندش شد. او در شکایت‌نامه‌ی دیگری به حکومت یک ماه مهلت داده بود تا عاملان قتل پسرش را مشخص کند؛ در غیر آن از نظر خانواده سیاوش، حکومت قاتل است.

پس از آن، محمدمسعود اندرابی، وزیر امور داخله، از بازداشت سه تن در پیوند به ترور یمایا سیاوش و دو همکارش خبر داد. وزیر امور داخله افزود که تحقیقات در هم‌آهنگی با ریاست عمومی امنیت ملی برای روشن شدن این قضیه جریان دارد.

یمایا سیاوش، مشاور امور روابط عامه امریت عمومی دفتر ریاست بانک مرکزی، احمدالله انس، معاون اجرایی و پروتکول امریت عمومی دفتر ریاست بانک مرکزی و امین‌الله رضایی، راننده بانک مرکزی در هفدهم عقرب، در انفجاری در ناحیه نهم شهر کابل کشته شدند.

دو سرباز زن ارتش در یک حمله مسلحانه در ولایت بلخ کشته شدند



۸صبح، کابل: دو زن از منسوبان ارتش در یک حمله مسلحانه در شهر مزارشریف، مرکز ولایت بلخ کشته شدند.

حنیف رضایی، سخنگوی قول اردوی ۲۰۹ شاهین در شمال می‌گوید که این حمله بر موتر حامل منسوبان زن ارتش ساعت ۷:۳۵ صبح روز سه‌شنبه، بیست‌وسوم جدی در سه راهی بابای ولی از مربوطات ناحیه پنجم شهر مزارشریف صورت گرفته است.

رضایی گفت که در این حمله دو سرباز زن ارتش و راننده‌ی آن‌ها زخمی شده‌اند.

عاملان این حمله که شمارشان دو تن گفته شده است، پس از تیراندازی بر موتر این افراد از ساحه فرار کرده‌اند.

مسوولیت این حمله را فرد و یا گروهی بر عهده نگرفته است.

حالی که این معلمان در اول نیازمند ارتقای سطح تحصیل از چهارده پاس به لیسانس هستند.

از سویی هم، او افزود که وزارت معارف تلاش دارد تا برنامه تحصیلی را از بدنه این وزارت حذف و به وزارت تحصیلات عالی واگذار کند. این در حالی است که براساس قانون، دارالمعلمین‌ها وظیفه ارتقای ظرفیت معلم از صنف دوازدهم تا چهاردهم را برعهده دارد.

بدین ترتیب آقای الهام تصریح کرد که پیش از عملی شدن این طرح، باید اول مواد قانون تغییر کند. وی لغو دارالمعلمین‌ها را به زیان کارمندان این نهادها دانست؛ زیرا بیش‌تر استادان در این نهادها به سویه استادان دارالمعلمین‌ها پیشنهادهایی را برای حل این معضل ارایه کرده بودند، اما حکومت به آن پاسخ نداده است. در همین حال وزارت معارف از پیش‌رفت در طرح لغو دارالمعلمین‌ها چیز نمی‌گوید. سخنگوی این وزارت تأکید دارد که روی این طرح کار نشده است و به همین دلیل از ارایه جزئیات درباره آن خودداری می‌کند.

وزارت تحصیلات عالی در سهم خود می‌گوید که پیش از این نشست‌هایی درباره ادغام آن با دانشکده‌های تعلیم و تربیه برگزار شده، اما تاکنون اقدامی صورت نگرفته است. به گفته حنیف فرزاد، معاون سخنگوی این وزارت، مسوولیت لغو و پیش‌برد کارها از صلاحیت وزارت معارف است و وزارت تحصیلات عالی تنها براساس هدایت ریاست جمهوری مسوولیت ارتقای سطح تحصیلاتی دانشجویان را برعهده دارد. با این حال

او به روزنامه ۸ صبح گفت، زمانی که تربیه معلم در دانشگاه باشد و بتواند دانشجویان را تا سطح لیسانس آموزش دهد، به موجودیت دارالمعلمین‌ها نیازی نیست. معاون سخنگوی وزارت تحصیلات عالی تأکید کرد که با توجه به پیش‌برد چنین طرحی در ۳۸ دانشگاه، وزارت تحصیلات عالی کود رشته دارالمعلمین‌ها را نیز در امتحان کانکور حذف کرده است.

طرح لغو دارالمعلمین‌ها در سال ۱۳۹۷ از سوی وزارت‌های مالیه، معارف و تحصیلات عالی به حکومت ارایه شد. براساس آن طرح، وزارت تحصیلات عالی کود رشته دارالمعلمین‌ها را از امتحان کانکور حذف کرد و سه سال است که این نهادها نتوانسته‌اند دانشجو جذب کنند. هرچند سه سال از پیش‌کش این طرح گذشته است، اما تاکنون سرنوشت آن روشن نیست. گفتنی است که دارالمعلمین‌ها در سال‌های فعالیت‌شان سالانه نزدیک به ۱۱ هزار دانشجو جذب می‌کردند و نه هزار دانشجو نیز فارغ می‌دادند. هرچند شمار دانشجویان دختر در دارالمعلمین‌ها پیش از سال ۱۳۸۶ حدود ۴۷ درصد بود، اما این میزان در سال‌های اخیر به ۶۵ درصد افزایش یافته بود.



عبدالاحمد حسینی

وزارت‌های معارف، تحصیلات عالی و مالیه حدود سه سال پیش طرحی را به حکومت پیش‌کش کردند که لغو دارالمعلمین‌ها را در سراسر کشور تقویت می‌کرد. براساس این طرح، دارالمعلمین‌ها زمینه جذب دانشجویان را از دست داده و از سه سال به این سو کدام دانشجویی به این نهادها تحصیل می‌نشدند. اکنون اعضای مجلس نماینده‌گان این طرح را «غیرمنطقی» و «غیراصولی» می‌دانند و از لغو آن هشدار می‌دهند. راضیه سعادت منگل، عضو مجلس نماینده‌گان، روز سه‌شنبه، بیست‌وسوم جدی، به روزنامه ۸ صبح گفت که موجودیت دارالمعلمین‌ها فرصت خوبی برای دانشجویان و محو بی‌سوادی در کشور است.

نخواهد داد. شفیقه سخا، عضو دیگر مجلس نماینده‌گان، نیز از بی‌سرنوشتی استادان دارالمعلمین‌ها انتقاد می‌کند. به باور او، سرنوشت دارالمعلمین‌ها از سه سال به این سو در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و حکومت نیز تاکنون وضعیت این نهادها را روشن نکرده است. خانم سخا از نهادهای مربوط خواست که تکلیف دارالمعلمین‌ها و سرنوشت استادان این نهادها را مشخص کنند. افزون بر اعضای مجلس، برخی از استادان در دارالمعلمین‌ها نیز از وضعیت موجود نگران‌اند. ایام‌الدین الهام، منشی ارتقای تربیه معلم، به روزنامه ۸ صبح گفت که ایده لغو دارالمعلمین‌ها توسط وزارت‌های مالیه، معارف و تحصیلات عالی مطرح شده است. او اما این طرح را کارساز نمی‌داند؛ زیرا براساس این طرح، دارالمعلمین‌ها باید مسوولیت ارتقای معلمان را برعهده گیرند، در

سه سال بلا تکلیفی؛ سرنوشت دارالمعلمین‌ها هنوز ناروشن است



مجلس نماینده‌گان و برخی از اعضای جنبش ارتقای تربیه معلم، از تلاش‌ها برای لغو دارالمعلمین‌ها و بی‌سرنوشتی استادان آن‌ها در کشور انتقاد می‌کنند. به گفته آنان، در حالی که زمینه تحصیل برای جوانان به ویژه دختران در برخی از ولایت‌ها فراهم نیست، لغو دارالمعلمین‌ها می‌تواند آینده تحصیلی بانوان را با تهدیدهای جدی‌تری روبه‌رو کند. برخی از اعضای مجلس معتقد اند که نهاد‌های آموزشی و مسوول باید اول شرایط جامعه را مطالعه کنند و سپس متناسب با منافع شهروندان تصمیم بگیرند. این نماینده‌گان مردم در مجلس با تطبیق «طرح لغو دارالمعلمین‌ها» مخالف‌اند و باور دارند که عملی شدن این طرح، آسیب جدی به پیش‌رفت تحصیلی زنان وارد می‌کند. پیش‌تر جنبش ارتقای تربیه معلم نیز با طرح لغو دارالمعلمین‌ها مخالفت کرد و گفت که راه‌های بدیل مناسبی برای رفع این بن‌بست پیشنهاد کرده است. وزارت معارف اما از پیش‌رفت در کار طرح لغو دارالمعلمین‌ها چیزی نمی‌گوید. گفتنی است که طرح جذب نکردن دانشجویان برای دارالمعلمین‌ها از سوی وزارت‌های معارف، تحصیلات عالی و مالیه ریخته شد؛ زیرا مسوولان در آن زمان معتقد بودند که میزان استادان فارغ شده کافی است و باید روی ارتقای ظرفیت‌شان تمرکز شود. مبتنی بر این طرح، دارالمعلمین‌ها از سه سال بدین سو هیچ دانشجویی جذب نکرده‌اند. این در حالی است که در سال‌های اخیر فعالیت دارالمعلمین‌ها، نزدیک به دو سوم دانشجویان را دختران تشکیل می‌دادند.

وزارت‌های معارف، تحصیلات عالی و مالیه حدود سه سال پیش طرحی را به حکومت پیش‌کش کردند که لغو دارالمعلمین‌ها را در سراسر کشور تقویت می‌کرد. براساس این طرح، دارالمعلمین‌ها زمینه جذب دانشجویان را از دست داده و از سه سال به این سو کدام دانشجویی به این نهادها تحصیل می‌نشدند. اکنون اعضای مجلس نماینده‌گان این طرح را «غیرمنطقی» و «غیراصولی» می‌دانند و از لغو آن هشدار می‌دهند. راضیه سعادت منگل، عضو مجلس نماینده‌گان، روز سه‌شنبه، بیست‌وسوم جدی، به روزنامه ۸ صبح گفت که موجودیت دارالمعلمین‌ها فرصت خوبی برای دانشجویان و محو بی‌سوادی در کشور است. او اما می‌گوید که اکنون قرار است براساس طرح وزارت معارف، وزارت مالیه و وزارت تحصیلات عالی این نهادها آموزش لغو شود.

این عضو مجلس تطبیق طرح لغو دارالمعلمین‌ها را «غیرمعقول» می‌داند و معتقد است که با عملی شدن آن، بیش‌تر دانشجویان دختر دیگر اجازه تحصیل نخواهند یافت. به باور راضیه منگل، دارالمعلمین‌ها فرصت خوبی برای دختران مهیا کرده‌اند تا بتوانند ظرفیت‌شان را بلند ببرند و به جامعه خدمت کنند. او افزود: «طرز‌العمل وزارت معارف را نفهمیدیم که به کدام سمت به پیش می‌رود. دارالمعلمین‌ها تأثیرات خوبی بالای کسانی دارند که در ولایات زنده‌گی می‌کنند. به عنوان نمونه در ولایت پکتیا در ۱۰ سال اخیر صدها دختر فارغ شدند.» بانو منگل خاطر نشان کرد که دولت در گذشته میلیون‌ها دالر را صرف تقویت این نهادها کرده و هزاران تن در این نهادها مصروف آموزش‌اند. او افزود که باید پیش از لغو دارالمعلمین‌ها، به سرنوشت جوانان توجه شود. به گفته این عضو مجلس، شورای ملی به هیچ وجه اجازه لغو این دارالمعلمین‌ها را

گسترش فقر در سرزمین بودا؛

هزاران کودک بامیانی به کارهای شاقه مجبور شده‌اند



الیاس طاهری

اعتیاد به مواد مخدر و کمبود مراکز حمایتی در حال حاضر از چالش‌های عمده کودکان آسیب‌پذیر در بامیان است. آقای رحمانی افزود که از مجموع ۲۲ کتگوری کودکان آسیب‌پذیر در زون مرکز به ویژه در ولایت بامیان، شماری از آن‌ها به دلیل اعتیاد به مواد مخدر، کارهای شاقه و نبود مکان مناسب برای زنده‌گی، قربانی شده‌اند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر تأکید می‌کند که تشدید فقر، گسترش ناامنی و شیوع بیماری کرونا، به شمار کودکان کار و آسیب‌پذیر در ولایت بامیان افزوده است. وزارت کار و امور اجتماعی اما اخیراً اعلام کرده که به تازه‌گی یک مرکز حمایت از کودکان آسیب‌پذیر را در شهر بامیان فعال کرده است؛ مرکزی که ظرفیت نگهداری تنها ۲۵ کودک را دارد. این در حالی است که آمار کودکان در معرض خطر و آسیب‌پذیر در این ولایت بسیار بالا است.

عبدالحمید معصومی، امر کار ریاست کار و امور اجتماعی بامیان، می‌گوید که در سال جاری خورشیدی، حدود هشتاد کودک کار و فقیر در مرکز بامیان از سوی دفتر حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) حمایت مالی دریافت کرده‌اند. در حال حاضر تنها دو مرکز حمایت از کودکان در معرض خطر در مرکز ولایت بامیان فعالیت دارند که به گفته فعالان و نهادهای حمایت از کودکان، این مراکز نظر به آمار بلند کودکان فقیر، کافی نیست.

بامیان، یکی از ولایت‌های فقیرنشین و کم‌تر انکشاف‌یافته در مرکز کشور است. گفتنی است که هنوز بسیاری از کودکان خانواده‌های فقیر در این ولایت مشغول کارهای شاقه، از جمله چوپانی و تهیه سوخت در فصل‌های خزان و زمستان از کوه‌ها و شهر و بازار اند. سرمایه شدید زمستان، بیکاری، تشدید فقر و گسترش دامنه ناامنی در بامیان و دیگر ولایت‌های مرکزی، بر شمار کودکان کارگر افزوده است.

احمد، کودک دیگری است که پس از رخصتی مکاتب مجبور به کار شاقه در شهر و بازار شده است. او نیز از برخورد خشونت‌آمیز والدین در برابر کودکان شکایت می‌کند. مجتبا و احمد نمونه‌هایی از صدها کودکی‌اند که به علت فقر اقتصادی و سرمای شدید زمستان، از سوی خانواده‌ها به کارهای شاقه مجبور شده‌اند. خارج از شهر بامیان، کودکان زیادی هستند که به حقوق‌شان دست‌رسی ندارند.

به گفته شبکه عمل‌کرد محافظت از کودکان در زون مرکز، وضعیت بسیاری از کودکان خانواده‌های فقیر و بی‌بضاعت که کار شاقه می‌کنند، نگران‌کننده است. محمدعارف محبی، مسوول شبکه عمل‌کرد محافظت از کودکان، تأیید می‌کند که کودکان آسیب‌پذیر در ولایت بامیان از بسیاری حقوق اولیه محروم‌اند. آقای محبی گفت: «تنها در روی بازار بامیان ۱۵۰ کودک را که نان‌آوران خانواده بوده و مصروف کار شاقه‌اند، به تازه‌گی سروی کردیم. تنها در ولسوالی ورس بیش از یک هزار کودک مصروف چوپانی‌اند که کار شاقه محسوب می‌شود و احتمال این وجود دارد که در بامیان شمار زیادی از کودکان مصروف کار شاقه باشند.»

یک آمار این شبکه در سال ۲۰۱۸ نشان می‌داد که بیش از ۲۷ هزار کودک کار در ولایت بامیان ثبت شده‌اند. در همین حال، عزیزالله رحمانی، امر بخش کودکان دفتر کمیسیون مستقل بشر در بامیان، می‌گوید که کار شاقه، نبود جای مناسب،

در سال ۲۰۱۸ میلادی از سوی شبکه عمل‌کرد محافظت از کودکان در زون مرکز نشر شد، نزدیک به ۳۰ هزار کودک در سراسر بامیان مشغول کارهای شاقه‌اند.

وضعیت کودکان بامیانی به دلیل فقر موجود در این ولایت، نگران‌کننده است. مجتبا، یکی از کودکانی که در شهر بامیان کار می‌کند، از برخورد نادرست پدر و مادرش شکایت دارد و آن‌طور که خودش می‌گوید، به نحوی به مجبور به کار کردن در روی بازار می‌شود. به گفته مجتبا هرچند حالا مکاتب تعطیل است، اما او دوست دارد به درس‌هایش ادامه دهد و نباید کار در بازار مانع ادامه درس‌هایش شود. این کودک از خانواده‌ها می‌خواهد که با لت‌وکوب کودکان‌شان، آنان را مجبور به کار شاقه نکنند.

مسوولان شبکه عمل‌کرد محافظت از کودکان در زون مرکزی کشور می‌گویند وضعیت بسیاری از کودکانی که در ولایت بامیان مصروف کارهای شاقه می‌باشند، نگران‌کننده است. به گفته نهادهای مدافع حقوق کودکان، کودکان آسیب‌پذیر بسیاری در بامیان و برخی دیگر از ولایت‌های مرکزی کشور، به آموزش و پرورش، خدمات صحی، مکان مناسب زنده‌گی و غذای سالم دست‌رسی ندارند و از همه حقوق اولیه محروم‌اند. شماری از کودکانی که در فصل سرما مشغول کارهای شاقه‌اند، نیز می‌گویند که به دلیل فقر اقتصادی، به کار در بیرون از خانه مجبور می‌شوند. افزون بر این کودکانی که در بازار بامیان کار می‌کنند، از برخورد خشونت‌آمیز والدین‌شان نیز شکایت دارند. بر بنیاد آماری که



آن‌چه در ششم جنوری سال ۲۰۲۱ و واشنگتن اتفاق افتاد، برای امریکایی‌ها یک حادثه تکان‌دهنده ولی با پیشینه است. بار اول، نماد دموکراسی و قانون‌گذاری آمریکا و ساختمان کنگره این کشور در سال ۱۸۱۴، پس از جنگ ۱۸۱۲ توسط ارتش شاهنشاهی انگلستان به آتش کشیده شد. این بار اما توسط کودتای ناکام رییس جمهور بر حال کشور، دونالد ترامپ، به نحوی آن حادثه تکرار شد. بدون شک، نویسنده‌گان آمریکا و جهان تا سالیان درازی در مورد این حادثه قلم‌فرسای و بر چگونگی و چرایی آن مکث خواهند کرد. ولی عجلالتا می‌توان بر چند نکته به عنوان پیش‌گفتار بحث‌های آینده آنان انگشت گذاشت.

شورش کودتاگرانه دونالد ترامپ در مقابل نظام سیاسی آمریکا ناکام ماند؛ ولی این شورش توانست ستون ارکان قدرت آمریکا را به شدت بلرزاند. علت اساسی واقع‌شدن چنین حادثه‌ای که نزدیک بود به فاجعه بزرگ سیاسی تبدیل شود، استحاله‌شدن یکی از مهم‌ترین احزاب سیاسی آمریکا (جمهوری‌خواهان) به مریدان کیش شخصیت‌پرستی دونالد ترامپ است. اعضای حزب جمهوری‌خواه که اکثریت مجلس سنای آمریکا را در چهار سال گذشته تشکیل می‌دادند و رهبری آن را در اختیار داشتند، به جای مستقل نگه‌داشتن این قوه، به مدافعان و پیروان بی‌اراده دونالد ترامپ تبدیل شده بودند و هنوز تعداد قابل ملاحظه آنان، پس از حادثه ششم جنوری، پابوسی ترامپ را رها نکرده‌اند. در چنین وضعیتی، اکثر فرامین، دستاویز و تصامیم ترامپ، در طی چهار سال گذشته، شبیه خودسری‌های خیره‌سرانه سلاطین قرون وسطایی بود. دونالد ترامپ رویای حاکمیت پوتین‌گونه را همیشه در سر می‌پرورانید و با سکوت معنادار از آن تقدیر به عمل می‌آورد.

سیستم سیاسی آمریکا در واقع شبه‌دموکراتیک است، تا خالص دموکراتیک. در این سیستم، زعامت ملی به طور مستقیم توسط آرای عمومی شهروندان آمریکا انتخاب نمی‌شود؛ بلکه به طور غیرمستقیم از طریق الکترال کالج (مجمع انتخاب‌کننده‌گان) انتخاب می‌شود. الکترال کالج، هیأت انتخاب‌کننده ایالات متحده است که طی یک نشست ویژه‌ای نتیجه انتخابات را پس از بازشماری‌های قانوناً اجباری و لازم، اعلان می‌کند. در این سیستم، ایالت‌ها دارای آرای مساوی نیستند، کم‌نفوس‌ترین ایالت، دارای ۳ رأی

بر سلطان جهان چه می‌گذرد؟

شورش کودتاگرانه دونالد ترمپ در مقابل نظام سیاسی آمریکا ناکام ماند؛ ولی این شورش توانست ستون ارکان قدرت آمریکا را به شدت بلرزاند. علت اساسی واقع‌شدن چنین حادثه‌ای که نزدیک بود به فاجعه بزرگ سیاسی تبدیل شود، استحاله‌شدن یکی از مهم‌ترین احزاب سیاسی آمریکا (جمهوری‌خواهان) به مریدان کیش شخصیت‌پرستی دونالد ترمپ است.

انتخاباتی و بزرگ‌ترین دارای ۵۵ رأی انتخاباتی است. هر ایالت سیستم و قوانین انتخاباتی خاص خود را دارد، هر کاندیدایی که اکثریت آرای عمومی یک ایالت را از آن خود کند، برنده تمام آرای الکترال کالج همان ایالت محسوب می‌شود. مجموعه آرای الکترال کالج، ۵۳۸ رأی است که در واقع مساوی به تعداد اعضای هر دو مجلس (سنا و مجلس نماینده‌گان) آمریکا است. بنابراین برنده آرای عمومی شهروندان آمریکا به تنهایی برنده انتخابات نمی‌شود، چنان‌چه هیلاری کلینتون در سال ۲۰۱۶ و ال گور در سال ۲۰۰۰ نشدند. برنده انتخابات در سیستم انتخاباتی آمریکا کاندیدایی است که ۲۷۰ رأی الکترال کالج را از آن خود کند. معیار مطلق برنده‌شدن در انتخابات آمریکا داشتن ۲۷۰ رأی الکترال کالج است، نه آرای عمومی شهروندان. شورش کودتاگرانه ترامپ، تلاشی بود برای برهم‌زدن صدور تصدیق‌نامه ۳۰۶ رأی الکترال کالج به جو بایدن توسط کنگره آمریکا. این سیستم انتخاباتی را عده زیادی از دانشمندان علوم سیاسی نیمه‌دموکراتیک و حتا غیردموکراتیک می‌خوانند. به تاریخچه و چگونگی این سیستم سیاسی که شبه‌دموکراتیک نامیده شد، در این‌جا نمی‌پردازم. ولی می‌توان گفت که این سیستم سیاسی و انتخاباتی شدیداً نیاز به بازنگری دارد. به رغم بحث‌های داغ سیاسی مبنی بر ملغاساختن سیستم الکترال کالج، عملی‌شدن چنین تعدیلی در آینده‌های نزدیک از جمله محالات به شمار می‌رود.

بی‌عدالتی نژادی – تعصب نژادی پولیس امنیتی آمریکا را می‌توان یکی از دلایل تکرار حادثه سال ۱۸۱۴ در واشنگتن دانست. اگر مهاجمان ششم جنوری سیاه‌پوستان و یا مخلوط با سیاه‌پوستان می‌بودند، پله‌های کاپیتال هیل (تعمیر کنگره) با خون رنگین و با جنازه‌های مهاجمان فرش می‌شد. ولی مهاجمان سفیدپوست بودند و قضاوت نژادپرستانه پولیس امنیتی به رغم هشدارها و اخطارهای قبلی بر صلح‌آمیزبودن اعتراضات استوار بود. با چنین تلقین نژادپرستانه، آماده‌گی کافی برای تأمین امنیت نشست مشترک کنگره گرفته نشده بود. در طی دو سه سال گذشته، هرگاهی که تظاهراتی از جانب سیاه‌پوستان علیه خشونت‌های نژادپرستانه پولیس به راه می‌افتید، تمام دستگاه‌ها و نهادهای امنیتی آمریکا برای کنترل و سرکوب تظاهرات در صحنه‌ها حاضر و آماده عمل



◆ عارف وفايي، استاد دانشگاه بخش چهارم و پایانی

نقش ملل متحد در استقرار صلح در افغانستان
سازمان ملل متحد، بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی است که تعداد اعضای آن به ۱۹۳ کشور رسیده است. ملل متحد در واقع محصول تراوش‌های ذهنی و فکری اندیشمندان خردمند و متعهد به حقوق بشر و عدالت اجتماعی است. این نظریه که انسان‌ها همه موجودات برابر و دارای کرامت انسانی است و همه آن‌ها بدون ملاحظه نژاد، قوم، جنس، زبان، مذهب، طبقه و جغرافیا از حقوق مساوی برخوردار اند، قرن‌ها دغدغه متفکران و سیاست‌مداران بوده است. به همین دلیل در قرن بیستم، نخست تعداد زیادی از انسان‌های متعهد به ارزش‌های انسانی و اخلاقی، دست به ایجاد موسسات و نهادهای کمک‌کننده زدند و دوم در سطح بزرگ‌تر دولت‌ها اقدام به هم‌کاری‌های مشترک برای حل مشکلات‌شان کردند و در نتیجه سازمان‌های بین‌المللی را تأسیس نمودند که سازمان ملل متحد نیز در سال ۱۹۴۵ در همین راستا تأسیس شد.

اگرچه هدف اولیه و اصلی دولت‌ها از ایجاد ملل متحد، برقراری نظم و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بود، اما به مرور مسایل حقوق بشری و تأمین عدالت اجتماعی، شیوه‌های حکومت‌داری، توسعه همه‌جانبه و مبارزه با فساد و فقر نیز در دستور کار ملل متحد قرار گرفت. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یکی از مهم‌ترین اهداف ملل متحد است. در این راستا شورای امنیت به عنوان عالی‌ترین ارگان با صلاحیت ملل متحد، وظیفه دارد که تهدیدها نسبت به امنیت جهانی را شناسایی کند و اقدامات مناسبی را جهت حل منازعات و رفع خطرات

می‌بودند. در همین لحظه‌ای که این یادداشت نوشته می‌شود، بیش از صد تن از سیاه‌پوستان معترض به جرم عدم رعایت قیود گشت‌وگذار اعلان‌شده از دفتر یک شهردار، در زندان‌ها به سر می‌برند. ولی شورشیان ترمپ در تمام پلاتفرم‌های مجازی اعلان کرده بودند که جلسه کنگره را بر هم می‌زنند؛ ولی از تمام دستگاه‌های دور و دراز امنیتی آمریکا، تنها پولیس محلی در محافظت از ساختمان کنگره حضور داشت. گارد ملی که وظیفه محافظت و حمایت‌های سنگین را بر عهده دارد تا ۹۰ دقیقه پس از هجوم بر کنگره اجازه اعزام دریافت نکرده بود. اکثر تبصره‌ها و ارزیابی‌های رسانه‌های معتبر آمریکا مشعر بر این است که اگر مهاجمان بر کنگره به عوض سفیدپوستان نژادپرست، سیاه‌پوستان می‌بودند، تعمیر کنگره آمریکا به حمام خون تبدیل می‌شد. تصاویر نشان می‌دهد که حتا پس از رسیدن نیروهای کمکی، مهاجمان به عوض دست‌گیرشدن، توسط نیروهای امنیتی به سرویس‌های ترانسپورتی محترمانه رهنمایی می‌شوند.

آن‌چه اتفاق افتاد یک تصادف و حادثه تکرار ناشدنی نیست؛ بلکه نمونه‌ای از رشد و قدرت‌گرفتن افراطیت دینی و نژادپرستی در جامعه آمریکا است. در انتخابات ماه نوامبر گذشته، بیش از هفتادوچهار میلیون شهروند امریکایی به دونالد ترمپ رأی دادند. از این میان، عده وسیعی – شاید بالاتر از چند میلیون، با جان و دل معتقدند که ترمپ بر حق است و اتهامات او مبنی بر تقلب در انتخابات گذشته، واقعیت دارد. موج افراطیت دینی و تبعیض نژادی، ریشه در تار و پود و تمامیت تاریخ آمریکا دارد. دونالد ترمپ با سوارشدن بر چنین موجی به قدرت رسید. رشد طوفانی این موج، ترمیم‌سیم را در تاریخ سیاسی آمریکا ایجاد کرده است که تا سالیان دراز یک تهدید بالقوه علیه هستی نظام سیاسی و دموکراسی آمریکا خواهد بود. بدون تردید، آمریکا و جهان با ترمپ‌های هوشیارتر و جوان‌تر در چهره‌های چون تد کروزها و جاش هالی‌ها در آینده‌های نزدیک روبه‌رو خواهند بود. در مقابل، عده وسیعی معتقدند و تأکید دارند که نباید فقط نکبت و تاریکی را دید و بر خوبی‌ها و روشنی‌ها چشم پوشید. در انتخابات گذشته، بیش از ۸۱ میلیون شهروند آمریکا به ترمپ‌سیم نه گفتند و جو بایدن را به عنوان رییس جمهور آمریکا برگزیدند. جنبش عدالت‌خواهانه اجتماعی طیف وسیعی از اқشار

مسؤولیت ملل متحد در قبال صلح افغانستان

که مردان، زنان و کودکان این سرزمین روی آرامش را ندیده‌اند و بدبختی و ناامیدی همه ابعاد زنده‌گی آنان را فراگرفته است. شدت خشونت و استبداد در گذشته این کشور، گاهی به صورت مقطعی و موقتی توجه جامعه جهانی و سازمان ملل متحد را به خود جلب کرده؛ اما کار اساسی و بنیادی برای برقراری صلح و ختم جنگ در این سرزمین انجام نشده است.

تلاش‌های ملل متحد در زمان تجاوز شوری و به‌ویژه موافقت‌نامه ژنو در سال ۱۹۸۸، باعث خروج نیروهای شوری از افغانستان شد؛ اما به دوره بعد از آن توجه صورت نگرفت. به همین دلیل، این کشور در کام جنگ داخلی، افراط‌گرایی و گروه‌های تروریستی فرو رفت. بعد از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، جهان و ملل متحد، یک‌بار دیگر متوجه افغانستان شدند. این بار به نظر می‌رسید که راه‌حل مناسبی برای نجات مردم افغانستان از سوی جامعه جهانی و سازمان ملل متحد در نظر گرفته شود. با این وجود، نقشه‌ای که در کنفرانس بن برای این کشور طراحی شد، بر اساس نیازها، شرایط و واقعیت‌های جامعه افغانستان نبود. در حالی که ملل متحد و قدرت‌های جهان قدرت و حکومت افغانستان را باید به یک جریان تحصیل کرده، روشن‌فکر، متخصص و بی‌طرف واگذار می‌کرد، آن را به دست افراد غیرمسلمکی سپرد.

نتیجه چنین اقدامی بعد از دو دهه انتظار و هزینه میلیاردها دالر، یک دولت فاسد، ضعیف و ناکارآمد است که حتا نمی‌تواند کوچک‌ترین نیازهای خود را رفع کند. هم‌چنان طی این مدت، ناکارآمدی این دولت باعث کشته و زخمی‌شدن هزاران نفر و آواره‌شدن میلیون‌ها تن از شهروندان این کشور شد.

اکنون که بحث صلح افغانستان مطرح است، ملل متحد نباید خود را در حاشیه این بحث قرار دهد و نسبت به مسؤولیتی که در قبال حفظ صلح و امنیت جهانی و

اجتماعی آمریکا را از کران تا به کران این کشور به خود جلب کرده است. برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی که دو دهه قبل خواب و خیال چپ افراطی قلمداد می‌شد، امروز به خواست عمومی و اکثریت مردم بدل گشته است. شخصیت‌های با نفوذ و اعتدال‌گرای حزب جمهوری‌خواه در تلاش نجات این حزب از اسارت کیش شخصیت‌پرستی دونالد ترمپ‌اند. مهم‌تر از همه، نظام سیاسی آمریکا نشان داد که سخت‌جان‌تر از آن است که هر شورش کودتاگرانه و یا امواج لحظه‌ای و ناگهانی افراطیت و نژادپرستی بتواند آن را از سر راه بر دارد. قدر مسلم، آمریکا وارد دوره جدید تاریخ سیاسی خود شده است. امریکای ابراهام لینکلن و مارتین لوتر کینگ بار دیگر در مصاف بقایای پنهان برده‌داری و تبعیض نژادی می‌رود. در شکست شورش‌گری‌های کودتاگرانه، افراطیت دینی و تعصب و نژادپرستی نباید شک کرد. ولی نمی‌توان با خاطر آسوده، نبرد را خاتمه‌یافته اعلام کرد.

اداره بایدن، رییس جمهور منتخب آمریکا، مسوولیت ترمیم خراب‌کاری‌های ترمپ را که در واقع بازسازی نظام سیاسی و اجتماعی آمریکا و احیای اعتبار جهانی این کشور است، در بدترین اوضاع اجتماعی و اقتصادی بر عهده می‌گیرد. اداره بایدن با ادامه شورش‌گری‌های افراطیت دینی و نژادپرستانه تا مدت‌ها روبه‌رو خواهد بود. ویروس کرونا به طور بی‌سابقه‌ای در سراسر ایالات متحده آمریکا بیداد می‌کند. تعداد خانه‌بده‌وشان در آمریکا به طور سرسام‌آور رو به افزایش است. فقر غذایی در میان بیش از ۴۰ میلیون جمعیت کشور مایه ننگ بزرگ‌ترین و غنی‌ترین کشور جهان شده است. نظام مالی آمریکا بر بنیاد قرض استوار است. از همه مهم‌تر، نظام سیاسی این کشور به شدت درگیر اختلافات درونی است. در طی چهار سال گذشته، اداره ترمپ، آمریکا را در جهان تنها و بی‌اعتبار ساخت و شورش کودتاگرانه او در ششم جنوری به حیثیت جهانی آمریکا ضربه مهلکی وارد کرده است. ترمپ در طی چند روز آینده از صحنه سیاسی آمریکا خارج می‌شود؛ ولی میراث شوم او تا مدت‌های نامعلوم بر زنده‌گی و سیاست داخلی – خارجی آمریکا تأثیرات ناگوارش را باقی خواهد گذاشت. شاید به قدرت‌رسیدن یک سیاست‌مدار با بصیرت، پابندی به قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی و متکی بر مدیران آگاه و کار فهم، شانس خوبی برای آمریکا باشد. قدر مسلم، آمریکا از آزمون‌های بزرگی در تاریخ کوتاه سیاسی – اجتماعی خود سربلند بیرون آمده است. احیای ثبات داخلی و اعاده حیثیت و جایگاه جهانی آمریکا، پس از به سر رسیدن دوران ترمپ، نیز آزمونی است بس بزرگ.

حقوق انسانی دارد، بی‌توجه باشد. ملل متحد طی دو دهه گذشته در هم‌کاری نزدیک با دولت افغانستان قرار داشته است. یوناما با ارایه مشوره، کمک‌های فنی و راهاندازی گفت‌وگوهای صلح در سطح محلی نقش مهمی در جمع‌آوری نظریات، توصیه‌ها و پیشنهادات مردم برای صلح در افغانستان داشته است. بنابراین، اکنون ملل متحد با توجه به خواسته‌ها و انتظارات گروه‌های فوق، باید پروسه صلح در قطر را به نتیجه برساند و مردم افغانستان را در این مقطع دشوار حمایت کند. اگر ملل متحد، خواسته‌های مردم را در جریان گفت‌وگوهای صلح قطر وارد نتواند، همه زحمات آن در برگزاری گفت‌وگوهای صلح که طی دو دهه با گروه‌های مختلف از جمله زنان، جوانان، علما، رسانه‌ها، جامعه مدنی و نهادهای خصوصی در کشور انجام داده است، هیچ می‌شود. ملل متحد، به عنوان یک نهاد توان‌مند بین‌المللی که از اعتبار و مشروعیت حقوقی برای ایجاد صلح و امنیت جهانی برخوردار است، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای را در این مرحله در مذاکرات صلح افغانستان بازی کند.

ملل متحد با توجه به قدرت، صلاحیت و نفوذی که در سیاست کشورها دارد، می‌تواند نظر آنان را تغییر دهد. ملل متحد با طرح برنامه مناسب می‌تواند کشورهای جهان را در امر مبارزه با تروریسم، فساد اداری، کاهش



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان



شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیجیتال (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سئو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)



+93777690909

info@bartartech.com

+93787935900 www.bartartech.com

کوته سنگی، گولابی دواخانه، کابل افغانستان

آشپزخانه مادر

تعمیر غذاهاک با کیفیت با نازل ترین قیمت
برای محافل رسمی و شخصی



آشپزخانه مادر یکی از مدرن ترین و پیشرفته ترین آشپزخانه‌های پایتخت است که افتخار دارد برای اولین بار در افغانستان با ویژگی‌های منحصر به خودش به فعالیت آغاز نموده است. آشپزخانه مادر افتخار دارد که بهترین و باکیفیت ترین غذاهای داخلی و خارجی را با مجرب ترین آشپزها برای محافل رسمی و شخصی، مهمانی‌ها و دعوت‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارها با انتقال رایگان به اسرع وقت با نازل ترین قیمت در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد. ما در تلاش هستیم تا با ارائه خدمات صادقانه و متفاوت از دیگران اعتبار و رضایت مشتریان محترم‌مان را کسب کنیم و باورمندیم که گنجی با ارزش‌تر از رضایت و خدمت صادقانه برای همشهریان ما وجود ندارد.

آدرس: سرک اول کارته چهار، کوچه لیسه عالی رابعه بلخی شماره‌های تماس: ۰۷۷۰۶۷۶۴۶۵ - ۰۷۰۰۱۹۸۸۹۷



شفاخانه آینه صحت

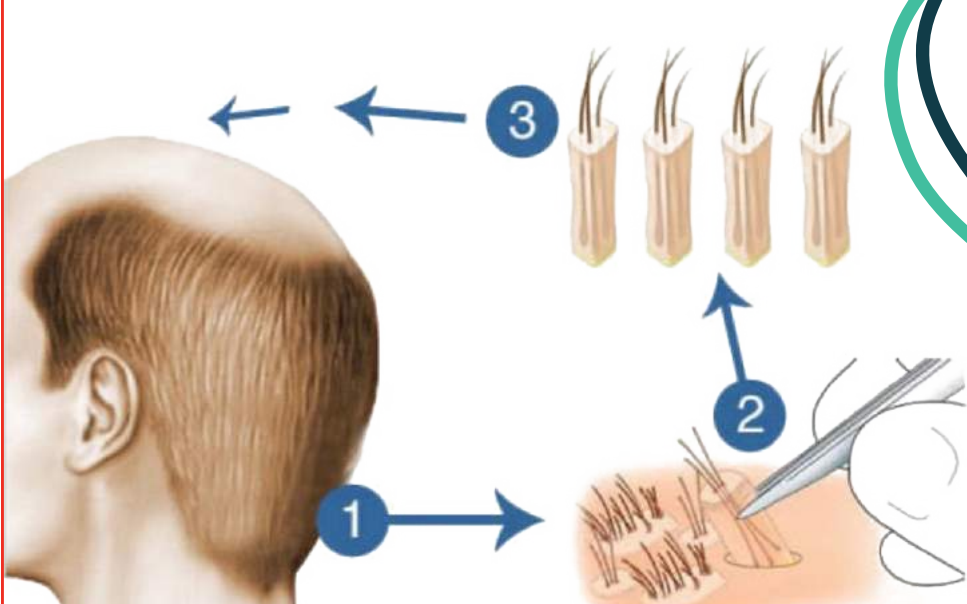
تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلا هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلا این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجراست. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیرحسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت

شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰



فروشگاه عسل تاج

صحت و نشاط



پروفایل فروشگاه: www.baba.af/taj

تماس: ۰۷۷۹۰۴۹۶۳۰ / ۰۷۴۴۳۸۱۳۷۰

آدرس: کابل، کارته ۳، پل سرخ، جوار دروازه رضایی سنتر

رسانه‌ها در سپهر افغانستان

♦ داکتر کفایت‌الله حمیدی و بصیر حمیدی



نظام رسانه‌های افغانستان در سال‌های اخیر به سرعت تغییر و به طور فزاینده‌ای پیش‌رفت کرده است. آیا این پیش‌رفت برای تغییرات در جامعه کافی است؟

از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ میلادی، افغانستان کشور بدون تصویر بود و رخداد‌های افغانستان در بیرون به صورت دقیق بازتاب نمی‌یافت. هنگامی که طالبان در سال ۱۹۹۶ قدرت سیاسی را در کابل به دست گرفتند، تقریباً تمام رسانه‌ها را مهر ضد اسلامی زدند، فعالیت‌شان را ممنوع اعلان کردند و جریان اطلاع‌رسانی در انحصار دولت و نهاد های حکومتی قرار گرفت. پس از سرنگونی امارت طالبان در سال ۲۰۰۱، سیستم رسانه‌های افغانستان دوباره وارد یک مرحله جدید شکوفایی شد.

این باور که رسانه‌های جمعی متمرکز به بازار (تجارتی) می‌توانند، رشد دموکراسی را در این کشور تسریع کنند، پذیرفته شد. ایالات متحده سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در زمینه ایجاد و رشد رسانه‌های خصوصی که در خود امریکا نیز رایج است، انجام داد که در نتیجه ارتباطات جمعی و اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها به سرعت گسترش یافت.

بر اساس مطالعات انجام‌شده در سال‌های اخیر، افغانستان دارای ۹۶ شبکه تلویزیونی، ۱۹۰ مرکز رادیویی و ۲۳۱ نشریه چاپی است که از این میان ۲۶ نشریه چاپی، نشرات روزمره دارند. دسترسی و استفاده از انترنت به سرعت در حال افزایش است که هم‌اکنون در حدود ده میلیون تن در افغانستان



رسانه‌های اجتماعی هم‌چنین در افزایش و تقویت جنبش‌های اعتراضی افغانستان نقش اساسی داشته‌اند. جنبش تبسم در سال ۲۰۱۵، جنبش روشنایی در سال ۲۰۱۶ و جنبش رستاخیز تغییر در سال ۲۰۱۷ همه از طریق رسانه‌های اجتماعی سازمان‌یافته بودند که صدها هزار نفر را بسیج کردند.

به انترنت و فضای مجازی دسترسی دارند. در حال حاضر افغانستان از یک‌سو دارای ساختار رسانه‌ای دولتی است که در برگیرنده رادیو و تلویزیون ملی با پانزده بخش ولایتی و حدود چندین روزنامه دولتی است. از سوی دیگر، دارای رسانه‌های خصوصی (ملی، محلی، قومی، مذهبی و سیاسی) است. رسانه‌های خصوصی برای اولین بار در تاریخ رسانه‌های افغانستان، در سال ۲۰۰۱ به صورت قانونی جواز فعالیت به دست آوردند.

از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ میلادی، افغانستان کشور بدون تصویر بود و رخداد‌های افغانستان در بیرون به صورت دقیق بازتاب نمی‌یافت. هنگامی که طالبان در سال ۱۹۹۶ قدرت سیاسی را در کابل به دست گرفتند، تقریباً تمام رسانه‌ها را مهر ضد اسلامی زدند، فعالیت‌شان را ممنوع اعلان کردند و جریان اطلاع‌رسانی در انحصار دولت و نهاد های حکومتی قرار گرفت. پس از سرنگونی امارت طالبان در سال ۲۰۰۱، سیستم رسانه‌های افغانستان دوباره وارد یک مرحله جدید شکوفایی شد.

رسانه‌های اجتماعی هم‌چنین در افزایش و تقویت جنبش‌های اعتراضی افغانستان نقش اساسی داشته‌اند. جنبش تبسم در سال ۲۰۱۵، جنبش روشنایی در سال ۲۰۱۶ و جنبش رستاخیز تغییر در سال ۲۰۱۷ همه از طریق رسانه‌های اجتماعی سازمان‌یافته بودند که صدها هزار نفر را بسیج کردند.

شبکه‌های اجتماعی؛ وسیله‌ای برای جهانی‌شدن افغانستان

سرانجام، رسانه‌های اجتماعی یک وسیله موثر برای تأمین ارتباط میان دیاسپورای افغان شد که در کشورهای مختلف جهان به سر می‌برند. همین مجرای بزرگ اطلاع‌رسانی باعث شد تا آگاهی افغان‌های مقیم در خارج در مورد مسایل مربوط به اوضاع کشورشان افزایش یابد و مشارکت و اقدامات دسته‌جمعی‌شان در کارزارهای مربوط به آن بیش‌تر شود. این ارتباطات جدید که مرزها و موانع سنتی را شکست، باعث شده است تا مهاجران افغان اکنون خودشان را به عنوان شهروندان جهانی معرفی کنند. در جون سال ۲۰۲۰، افغان‌های مقیم سراسر جهان با به راه‌انداختن هشتگ‌های زنده‌گی افغان ارزش دارد (#AfghanLivesMatter) و من سوختم (#IAmBurning) توانستند یک اعتراض گسترده آنلاین را راه‌اندازی کنند که این اعتراضات جهانی، خواستار برقراری عدالت برای مهاجران و پناهنده‌گان افغانستان در ایران و سایر کشورهای جهان بود. پدیده موجودیت و حضور شخصیت‌های تأثیرگذار رسانه‌ای افغان (Influencer) یا (Self-mass-communicator) در رسانه‌های اجتماعی یک تحول جدید است. در این راستا می‌توان از افرادی چون هانیه مزاری، فرید فروتن، همایون افغان و شهرزاد پویا در شبکه‌های اجتماعی نام برد. قاری عیسی، مهاجر افغان در شهر فرانکفورت آلمان با استفاده از فیس‌بوک با طالبانی که در افغانستان هستند، ارتباط برقرار و هم‌چنان بحث‌های یوتیوب را پخش می‌کند. صدها هزار نفر بحث‌های این افراد را دنبال می‌کنند و در برنامه‌های آنان می‌پیوندند. به گفته ژرژ عثمان، دانشمند ارتباطات افغانی‌الاصول امریکایی، رسانه‌های اجتماعی زمینه بحث و گفت‌گوهای جدی را در مورد حقوق زنان، دموکراسی، مدرنیته و اسلام برای این کشور ایجاد کرده است.

حاکمیت رسانه‌ها؛ چالش‌هایی برای افغانستان
این پیش‌رفت، هم‌چنین افغانستان را با چالش‌های متعددی روبه‌رو کرده است: دولت افغانستان باید سیاست و ارتباطات راهبردی خویش را با رسانه‌ها بر بنیاد واقعیت‌های جدید استوار سازد؛ آن‌چه تا هنوز انجام نداده است. عصر ما، عصر کنترل رسانه‌ها که در آن دولت موقعیت انحصاری داشته باشد و اطلاعات را به روش خود سانسور کند، نیست؛ بلکه عصر مدیریت ارتباطات (Communication Management) هدف‌مند با رسانه‌ها است. یعنی سیاست به یک سیستم ارتباطی و استراتژی مدرن نیاز دارد که در پرتو آن گروه‌های مخاطب و مورد هدف را دسته‌بندی، کانال‌ها و مجراهای اطلاع‌رسانی و ارتباطی را از هم تفکیک و تمامی آن‌ها را با توجه به محتوای برنامه بزرگ سیاسی خود مدیریت کند. هدف اصلی ارتباطات سیاسی مدرن، همیشه تقویت مشارکت مردم در فعالیت‌های دولت است. سیاست و سیاستمداران

افغانستان تا هنوز ارتباطات خود را با این واقعیت جدید رسانه‌های افغانستان که تنوع کانال‌ها و بازی‌گران این عرصه مهم ویژه‌گی آن است، برقرار نکرده‌اند.

آموزش رسانه‌ای (Media or Communication Competence)، باید مانند بسیاری از کشورهای دیگر در افغانستان نیز به عنوان یک مضمون، شامل برنامه‌های درسی مکتب‌ها شود تا دانش‌آموزان در مقاطع سنی متفاوت یاد بگیرند که چگونه از رسانه‌های جدید به گونه حرفه‌ای و حساس استفاده کنند، این امر در عصر اخبار جعلی و رادیکال‌سازی اذهان نسل جوان در شبکه‌های رسانه‌ای، امر بسیار مهم و حیاتی است.

نظام رسانه‌ای جدید در افغانستان، کاملاً به تأمل علمی نیاز دارد؛ چیزی که تاکنون به ندرت اتفاق افتاده است. بنابراین لازم است که تحقیق در مورد ارتباطات راهبردی به عنوان یک موضوع در افغانستان معرفی و بر بنیاد علوم ارتباطات (Communication Studies) حرفه‌ای شود؛ مسأله‌ای که متأسفانه تا هنوز چنین نشده است. این عرصه کار باید پژوهش‌محور باشد و دانش‌جویان را به صورت هدف‌مند و متواتر به تحقیق عملی بفرستد تا آن‌ها بتوانند رسانه‌های جدید، نشرات و تأثیرگذاری آنان را بر گروه‌هایی که از آن استفاده می‌کنند، مورد بررسی کمی و کیفی قرار دهند و نتایج را با شهروندان و کارکنان رسانه‌ها شریک سازند.

در نهایت افغانستان به یک بحث و گفت‌وگو اصولی اجتماعی در مورد وظایف، مکلفیت‌ها و عمل‌کردهای اجتماعی نظام رسانه‌ای نیاز دارد. کشورها بر رسانه‌های خود مکلفیت‌هایی را معین می‌سازد که ناشی از واقعیت‌های اجتماعی همان جامعه است. افغانستان یک جامعه چند ملیتی است و از این‌رو از نظر سیاسی هنوز هم یک جامعه تقسیم‌شده است. ادغام، هم‌دلی و هم‌دیگرپذیری مردمان این سرزمین مهم‌ترین وظیفه رسانه‌های افغانستان امروز و آینده است. اگر زنده‌گی روزمره چند ملیتی به عنوان بخشی از واقعیت زنده‌گی اجتماعی به تصویر کشیده شود و فرصت‌هایی که یک جامعه متنوع فرهنگی دارد، بدون این‌که نفی شود، برجسته گردد، برای افغانستان مفید خواهد بود و می‌توان گفت که رسانه‌ها در این ادغام نقش موثر خواهند داشت. در راستای این روی‌کرد دولت رسانه‌ای (Media Governance)، مشارکت فعال تعداد زیادی از بازی‌گران علاوه بر رهبران و مسوولان دولتی و سیاسی چون فعالان جامعه مدنی و نهادهای علمی و سازمان‌های اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است که بر این بنیاد می‌توان یک چارچوب برای وظیفه اصلی رسانه و فرآیندهای تغییر سریع را در بخش رسانه بهتر و پایدارتر انجام داد. تاکنون این بحث به کندی و یا بسیار پراکنده اتفاق افتاده است. در حال حاضر رسانه‌های افغانستان خود را در عمل‌کرد و نقش انتقادی می‌بینند که ناشی از نفوذ مدل امریکایی لیبرال رسانه‌ها و کم‌تر استوار به واقعیت اجتماعی افغانستان است.

نظام نوین رسانه‌ها در افغانستان؛ وسیله‌ای برای تغییر اجتماعی

در پهلوی این همه چالش‌ها، ارتباطات اجتماعی تازه ایجاد شده توسط رسانه‌های نوین، امید است برای حفظ و حتا تسریع تغییرات اجتماعی. هرچند این روابط باعث ایجاد تنش‌های اجتماعی بین گروه‌ها و اقوام مختلف می‌شود؛ اما این تنش‌ها می‌تواند نشانه مثبت پیش‌رفت نیز باشد. گفت‌وگوها، مباحث عمومی و مذاکرات درباره منازعات و تنش‌ها، بیان‌گر تلفیق و انسجام گروه‌های مختلف اجتماعی در کشور است. مطمئناً، این ارتباطات و گفت‌وگوهای آزاد به شکل‌گیری و تقویت جامعه مشارکتی کمک، پیش‌رفت و تکامل را سریع و مصونیت در پرتو قانون اساسی را فراهم می‌کند.

این تغییر و مشارکت مربوط نخبه‌گان جامعه نیست؛ بلکه به تمام اتباع کشور بر می‌گردد. توسعه و تحکیم این ساختارهای ارتباطی یک نقطه عطف در تاریخ افغانستان است؛ زیرا از این طریق جامعه نه تنها از وضعیت و حالت «یک جامعه قبیله‌ای» به یک ملت واحد عبور می‌نماید، بلکه یک تغییر اجتماعی متداوم و پایدار را نیز تسهیل می‌کند.

«پیش از صلح، واضح بسازید که چه کسانی از خون اولاد ما سود بردند؟»



بیش از ۷۰ روز از رویداد خونین دانشگاه کابل می‌گذرد، اما تبدیل شدن داستان مرگ آدم‌ها به یک رویداد زودگذر، از بیماری‌های مسری افغانستان جنگ‌زده است. پیش‌تر مردم آن‌چه بر قربانیان گذشت را از یاد برده‌اند، اما پیرمردی در کابل هست که این هفتاد روز به اندازه هفتاد سال قامتش را خم کرده است. او در این جریان از بستر بیماری بر نمی‌خیزد و اشکش مدام از میان ریش‌های سپید و خطوط در هم و برهم صورتش سرازیر می‌شود. وقتی به عیادتش می‌آیند، از داوود برای او نام نمی‌برند تا یک داغش دو داغ نشود؛ زیرا نه رمقی است برای گریستن و نه جانی برای بی‌کس‌تر شدن.

جایی نمی‌رود، خیلی حرف هم نمی‌زند. کنج دنجش شده است اتاق داوود؛ همان‌جا نماز می‌خواند، نان می‌خورد، می‌خوابد، فکر می‌کند، بغض می‌کند، می‌گرید و خلاصه این‌که شیش را در همان اتاقی که داوود تا سحر درس می‌خواند، صبح می‌کند. یک گوشه عکس پسر ۲۳ ساله‌ای است و سوی دیگر کتاب‌های به جای مانده از او. از آن زمان تا حال بیش از ۷۰ روز می‌گذرد و داوود یکی از کشته‌گان آن حادثه



آسیه حمزه‌ای

می‌شد. آشنایان داوود، او را پس از چندین ساعت انتظار مقابل دانشگاه کابل و مراجعه به شفاخانه‌های مختلف، در شفاخانه ۴۰۰ بستر، غرق در خون یافته بودند. مرمی‌های پی‌هم، رمق از جان او گرفته بود. آنگاه روایت زینب، هم‌صنفی او، به ذهن می‌آید که می‌گفت: «خود ره به مردن زده بودم. وقتی صدای شلیک‌ها آرام شد، کمی سرم را بلند کردم، دیدم خون از دستان داوود فواره می‌زد، ناله می‌کرد، خیلی ناله می‌کرد!»

همسایه‌ها دور اسحاق و خانواده‌اش را گرفته بودند، هم تسلا دل می‌دادند و هم برنامه‌ریزی برای تدفین جوان از دست رفته. فردای آن روز داوود را در تپه شهدای روشنایی به خاک سپردند و پس از آن روز دیگر هیچ چیز برای اسحاق عادی نشد. خنده تلخ پدر داوود در واکنش به گفت‌وگوهای صلح پر از معناست. می‌گوید: «پیش از همه این‌ها، حکومت بیا به واضح بسازد که کدام نانجیب‌هایی از ریختن خون اولاد ما سود بردند؟ زندانیان طالب ره رها کردین و در مقابل اولاد ما کشته شد. همی قسمی خو صلح نمی‌آیه. با قتل عام جوان‌ها صلح نمی‌آیه. خوده فریب می‌تین یا مردم ره. کاش صلح می‌آمد، کاش قبل از کشته شدن جوان مه صلح می‌آمد. در دوحه ریشه این خون‌ریزی‌ها پیدا شده، از طالبان پسران شوه، از کشتن همی جوان‌ها چه سود به اونا رسید؟ چه می‌رسه به اون‌ها که بعد از دانشگاه کابل هم بس نکدن، هر روز یک جوان کشته می‌شه، هر روز قد و قامت یک پدر رقم مه خم می‌شه، بالاخره چه حاصل‌شان می‌شه؟»

اکنون که روزها از آن حادثه گذشته، هیچ چیز دیگر برای پدر داوود سر جایش نیست. او تنها مرد داغ‌دار و سوگوار این دیار نیست، بلکه یکی از پدران فراموش شده‌ای است که در کنج تنهایی خود هنوز به عزا نشست‌اند. هنوز می‌گریند و زنده‌گی شاید به این زودی‌ها دیگر به آن‌ها روی خوش نشان ندهد. پس از نزدیک به سه ماه، همه چیز برای مردم عادی است و رویداد خونین دانشگاه کابل به همین زودی به تاریخ سپرده شد. روز از نو و رویداد از نو...

یک بار خداحافظی کرد و دوباره برگشت. چرخ‌های در میان گلدان‌ها زد، سپس از شیشه کلکین نگاهی دوباره انداخت و دست را به نشانه خداحافظی تکان داد و رفت.

حاجی اسحاق در خانه بود که خبر شد بر دانشگاه کابل حمله شده است. پسرش و دو داماد خانواده‌اش به طرف دانشگاه رفتند. تلفن داوود روشن بود، اما پاسخ نمی‌داد. هر چه زمان می‌گذشت، این زنگ‌های بی‌پاسخ تبدیل به دلهره‌های عمیق‌تری می‌شد که ریشه در جان می‌گرفت. هر زنگ بی‌پاسخ، یک زخم نه، که صد زخم بود. پیرمرد گاهی قرآن می‌خواند، گاهی نماز ادا می‌کرد و گاهی با دستان لرزانش دانه‌های تسبیح را می‌گرداند. چهار بچه شده بود و هنوز خبری نبود. با مبالغه خودش دوباره شماره داوود را گرفت، اما این بار خاموش شده بود. حاجی اسحاق می‌گوید: «همی که دیدم خاموش شده، دلم یک دم کنده شد. فهمیدم که بچه کشته شده!» زنان خانه همه می‌گریستند و غوغایی برپا شد. نه کسی لب به نان و آب می‌زد و نه کسی با کسی سخن می‌گفت.

از شام هم گذشته بود که دروازه خانه با صدای هق‌هق چندین مرد گشوده شد. جرات نکرده بودند پیشاپیش زنگ بزنند و خبر بدهند. از روی حویلی فریاد آمد که «داوود ره آوردیم، نه با پای خودش، روی دست‌های مان آوردیمش». مرثیه این سوگ همین‌جا به اوج می‌رسد که باید پدر نعش پسر را بر دوش می‌کشید. پیکر بی‌جان پسر کوچک‌خانه را آوردند. ناگهان خواهر داوود جیغ زد که حاجی بابه ضعف کد... اسحاق بی‌هوش شده بود. توان بر دوش کشیدن نعش پسر را نداشت. برای ثانیه‌ای تمام آن به چنگ و دندان گرفتن فرزندان از پیش چشمش گذشت و از حال می‌رفت. آرزو داشت او را در لباس دامادی ببیند، اما این آرزو ناتمام ماند. همسایه‌ها یکی پس از دیگری فهمیدند. محله‌ای است در شهرک امید سبز که همه هم‌دیگر را می‌شناسند. برخی گریه می‌کردند و برخی دیگر از آخرین دیدارهای خود با داوود می‌گفتند و سر تکان می‌دادند که «حیف جوانیش!» یکی می‌گفت: «داوود روز قبل آمده بود که مرا جمعه‌ها به کارگری ببر، پیسه نیاز دارم.» دیگری می‌گفت: «حیف که کورس انگلیسی‌اش آخرایش بود.» همین‌طور روایت‌ها بین هم می‌چرخید و دست‌به‌دست

پرستاران روزهای دشوار هرات می‌خواهند نزد رییس جمهور شکایت کنند

۸ صبح، هرات

جنسیتی» روا داشته شده است. این دختران مدعی‌اند که قراردادشان با ریاست صحت عامه یک‌ساله بود و باید تا ماه حوت سال روان خورشیدی به کارشان ادامه می‌دادند، اما حدود سه ماه پیش از پایان زمان قرارداد، از وظیفه برکنار شدند و افراد دیگری جای آن‌ها را گرفته‌اند.

روشن‌مرادی، پرستار اخراج شده دیگر، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که در آغاز همه‌گیری «موج اول» کرونا در هرات، بدون داشتن سند تحصیلی از او امتحان گرفته شد، اما مقام‌های صحتی گفتند که به دلیل نداشتن مدرک، استخدام نمی‌شود. گفتنی است که این دو بانو تحصیلاتشان را تکمیل کرده‌اند، اما در آن زمان مدرکشان را به دست نیاورده بودند.

تلاش برای ملاقات با رییس جمهور

خانم‌مرادی می‌گوید که ۱۱ دانش‌آموخته «قابله‌گی» که مدرک تحصیلی نداشتند و خلاف رشته به عنوان پرستار در شفاخانه کووید-۱۹ هرات استخدام شده بودند، با دو پرستار دیگر برکنار شدند و تاکنون علت برکناری این افراد مشخص نشده است. او می‌گوید: «پس از این‌که بست‌های پرستاری شفاخانه کرونا تکمیل نشده، از ریاست صحت عامه تماس گرفتند و خواستند به عنوان پرستار در شفاخانه کووید هرات کار کنم. چند ماه در این مرکز کار کردم و با حضور هیأت اداره بازرسی ریاست جمهوری، من و سایر کارمندان بدون مدرک اخراج شدیم.»

پرستاران سابق شفاخانه کووید-۱۹ در هرات ادعا دارند که نوراحمد حیدری، معاون والی هرات، وعده سپرد که مشکل به میان آمده را از هرات حل می‌کند و نیازی نیست برای دادخواهی به کابل سفر کنند، اما تاکنون کسی به دادخواهی آن‌ها توجه نکرده است. پرستو صاحب‌زاده و روشن‌مرادی، می‌خواهند برای رساندن صدای اعتراض‌شان به گوش حکومت مرکزی، راهی کابل شوند و دادخواهی‌شان را در مرکز

دو بانوی هراتی ادعا دارند که در هنگام آغاز «موج اول» همه‌گیری کرونا، زمانی که کسی حاضر نبود در شفاخانه‌های ویژه درمان بیماران کرونایی فعالیت کند، در شفاخانه «کووید شماره یک» هرات به عنوان پرستار قراردادی استخدام و پس مدتی اخراج شدند. آنان مدعی‌اند که در عوض پرستاران زن که به دلیل بحران کرونا مدرک به دست نیاورده بودند، پرستاران مرد بدون داشتن مدرک تحصیلی استخدام شدند. بدین ترتیب بانوان اخراجی احساس می‌کنند که در برابرشان «تبعیض جنسیتی» اعمال شده است. ریاست صحت عامه هرات پافشاری دارد که در زمان همه‌گیری کرونا، برخی افراد به گونه فوری در شفاخانه بیماران کرونا استخدام شدند، اما پس از سپردن مسوولیت شفاخانه به دفتر «AADA» و ایجاد اصلاحات در آن، برخی افراد از وظایفشان برکنار شدند. مقام‌ها در موسسه «AADA» هم می‌گویند که پس از سفر هیأت اداره بازرسی ریاست جمهوری به هرات و شکایت برخی وابسته‌گان بیماران، پرستاران بدون مدرک تحصیلی اخراج شدند و در این میان هیچ‌گونه تبعیضی صورت نگرفته است.

ادعای پرستاران اخراج شده

دو بانوی پرستار که از شفاخانه ویژه درمان بیماران کرونا در هرات اخراج شده‌اند، با ارایه اسنادی به روزنامه ۸ صبح، ادعا دارند که عامل برکناریشان «تبعیض جنسیتی» است و در عوض این دو، پرستاران مرد، بدون داشتن مدرک تحصیلی استخدام شده‌اند. پرستو صاحب‌زاده، فردی که از شفاخانه اخراج شده، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که پس از تجهیز شفاخانه درمان بیماران کرونا از سوی موسسه «AADA»، برخی پرستاران از وظایفشان برکنار شدند، اما با پادرمیانی ریاست صحت عامه شامل کار شدند. با این حال اما این پرستاران بار دیگر با حضور هیأت اداره بازرسی ریاست جمهوری، بیکار شدند.

به گفته او، دلیل برکناری آنان از وظیفه، نداشتن «مدرک تحصیلی» عنوان شده است، زیرا روند توزیع مدرک‌شان به دلیل چالش‌های ناشی از بحران کرونا به تأخیر افتاده بود. با این حال این دو بانو می‌گویند که افراد جای‌گزین نیز مدرک تحصیلی ندارند و اکنون به این باور رسیده‌اند که در برابر آنان «تبعیض

دیدگاه ریاست صحت عامه هرات

ریاست صحت عامه هرات در واکنش به ادعاهای مطرح شده از سوی پرستارانی که از شفاخانه ویژه درمان بیماران کرونا اخراج شده‌اند، تأکید دارد که تاکنون درخواست رسمی برای رسیدگی به شکایت افراد اخراج شده به این نهاد ارسال نشده است. محمدرحیم شیرزی، سخنگوی ریاست صحت عامه هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که در آغاز همه‌گیری ویروس کرونا، براساس نیاز همان زمان، برخی افراد بدون «داشتن مدرک تحصیلی» به گونه فوری برای خدمت در شفاخانه کرونا استخدام شدند، اما با آغاز روند اصلاحات، تعدادی از آنان برکنار شدند.

سخنگوی ریاست صحت عامه هرات پافشاری می‌کند که شکایت‌های افراد در پیوند به این قضیه از سوی ریاست صحت عامه پی‌گیری می‌شود و کارمندان که شکایت دارند، می‌توانند افزون بر ریاست صحت عامه، مشکل‌شان را با موسسه «AADA» نیز مطرح کنند. در اسنادی که پرستاران برکنار شده در اختیار روزنامه ۸ صبح قرار داده‌اند، داکتر ناصر حبیب، سرپرست شفاخانه حوزه‌های هرات، براساس هدایت وزارت صحت عامه، دستور استخدام کارمندان شفاخانه کرونا را داده است.

مقام‌های صحتی در هرات می‌پذیرند که در ابتدا، دانش‌آموخته‌گان رشته «قابله‌گی» به عنوان «پرستار» در شفاخانه کووید-۱۹ هرات مقرر شدند و برخی افراد در هنگام استخدام، مدرک تحصیلی در اختیار نداشتند و بدون مدرک، با سپری کردن امتحان، جذب شدند. هرچند مقام‌های ریاست صحت عامه هرات و مقام‌های موسسه «AADA» در این ولایت ادعای «تبعیض جنسیتی» را در برکناری کارمندان شفاخانه ویژه درمان بیماران کرونا در هرات رد می‌کنند، اما برخی پرستاران اخراج شده ادعا دارند که حق‌شان پای‌مال شده است و دادخواهی خود را در این زمینه ادامه می‌دهند.

کشور ادامه دهند. آن‌ها توقع دارند که رییس جمهور را ببینند و در دیدار با او، «مشکلات و تبعیضات موجود علیه زنان» را با فرد اول کشور در میان بگذارند.

پاسخ موسسه «AADA» به ادعاها

در واکنش به ادعاهای مطرح شده از سوی پرستاران اخراج شده از شفاخانه کووید-۱۹ در هرات، مقام‌ها در موسسه «AADA» می‌گویند که در اخراج این دو پرستار هیچ‌گونه «تبعیض جنسیتی» وجود ندارد و آن‌ها به دلیل نداشتن مدرک تحصیلی، از وظایفشان برکنار شدند. داکتر قمرالدین فخری، مسوول ولایتی موسسه «AADA» در هرات، به روزنامه ۸ صبح گفت که در هنگام همه‌گیری کرونا در هرات، کارمندان شفاخانه «کووید شماره یک» از سوی ریاست صحت عامه هرات استخدام شدند و از ماه ثور سال روان خورشیدی، مسوولیت تجهیز این مرکز درمانی به دفتر «AADA» واگذار شد. به گفته او، به دنبال سفر هیأت اداره بازرسی ریاست جمهوری به هرات و بررسی‌های این هیأت، مشخص شد که برخی کارمندان بدون داشتن مدرک تحصیلی استخدام و برخی افراد دیگر که دانش‌آموخته «قابله‌گی» بودند، به عنوان «پرستار» در شفاخانه جذب شده‌اند. آقای فخری می‌افزاید که براساس سفارش‌های اداره بازرسی ریاست جمهوری و مکتوب‌های رسمی معینیت عرضه خدمات صحتی وزارت صحت عامه، موسسه «AADA» پس از گرفتن مسوولیت تجهیز شفاخانه کووید-۱۹ در هرات، کارمندان بدون مدرک را از وظایفشان برکنار کرد. افزون بر این، به دنبال فوت یک بیمار کرونایی در این مرکز درمانی و شکایت وابسته‌گان از «غفلت» کارکنان صحتی، ریاست سارنوالی هرات نیز خواهان وضاحت در پیوند به این مسأله شد و به این ترتیب کارمندان «خلاف رشته/ قابله‌ها» و کارمندان «بدون مدرک تحصیلی» از شفاخانه کرونا در هرات اخراج شدند.

نقش قدرتهای منطقه‌ای در افغانستان پسا امریکا؟

قوام گران آرامی یا تغذیه گران آنارشی؟

سید آرش شهیدی

افغانستان نیست. هند پی گیر سه هدف به هم پیوسته در افغانستان است: مقابله با نفوذ پاکستان، جلوگیری از استفاده شدن خاک افغانستان علیه منافع هند، شکل گیری یک دولت قوی و یک افغانستان باثبات و مستقل از پاکستان. اما باید گفت که توانایی های این کشور به دلیل نداشتن نفوذ و قدرت سخت افزاری، محدود است. هند حضور سخت افزاری (به جز معدود ارتباطات اطلاعاتی با امنیت ملی) در افغانستان ندارد و سعی می کند با قدرت نرم، نفوذش را قوام ببخشد. گفته می شود که اخیراً این کشور تماس هایی را از مجرای ایران و روسیه با بخشی از حلقه طالبان برقرار کرده است.

۲. برتری طلبان

ایران و عربستان: رقابت های برتری طلبی ایران - عربستان در منطقه و به خصوص در افغانستان، غیرقابل اغماض است. این دو کشور از زمان کشف نفت تا به حال در رقابت بوده اند. به گفته ناظران، رقابت های خصمانه این دو کشور بعد از انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) شروع و از بهار عربی (۲۰۱۱) به بعد شدیدتر شده است.^۱ بعد از «انقلاب های» بهار عربی، تهران و ریاض درگیر چندین جنگ نیابتی بوده اند که از بزرگ ترین آن ها می توان به سوریه، عراق و یمن اشاره کرد. با گذشت تقریباً ده سال از بهار عربی، گذشته از این بحث که جنگ نیابتی در کشورهای عربی را کدام کشور برده است، به نظر می رسد که جنگ های نیابتی تهران و ریاض در کشورهای نام برده در حال ختم شدن است؛ اما این را باید بگوئیم که ختم این جنگ ها به معنای ختم خصومت ها نیست.

ادامه در صفحه ۹



است» و حتا «ممکن است روسیه خود را جایگزین امریکا در افغانستان تصویر کند». شاید هم پوتین این وصیت نامه ایوان کبیر را از یاد نبرده است: «تا جایی که ممکن است، به قسطنطنیه و هند نزدیک شوید. هر که بر این سرزمین ها حکم براند، حاکم حقیقی جهان خواهد بود».

سد تروریسم: گفتیم که در صورت بروز بی ثباتی در افغانستان، کشورهای منطقه ای در مقابل آن مصون نخواهند ماند. یک افغانستان آشفته ممکن است داعش و دیگر نیروهای اسلام گرا را که داعیه جهاد جهانی دارند، در خود پرورش دهد و موجی از افراطیت را به منطقه پخش کند. این برای منافع روسیه یک خطر جدی است. شیوع افراطیت در منطقه آسیای مرکزی (عمق استراتژیک روسیه)، می تواند جهادی های درون روسیه را نیز به منطقه جذب کند که در این صورت دامن روس ها را نیز خواهد سوختاند. افزون بر این، طبق بعضی از گزارش ها^۲ ۲۵ درصد از هرویین افغانستان سر از بازارهای روسیه در می آورد و نیازهای مالی تروریستان را برآورده می کند. از همین رو، به نظر می رسد که روسیه از یک دولت باثبات در افغانستان حمایت نماید تا از شکل گیری یک اتحاد پان افراطی در قفقاز جلوگیری و جمهوری های آسیای مرکزی را در برابر اسلام گرایی عایق بندی کند.

هند: احمد رشید می گوید: «جاده کابل از مسیر کشمیر عبور می کند». یعنی این که بدون حل مسأله کشمیر میان هند و پاکستان، صلحی در افغانستان نخواهد بود - حرفش هم گزافه به نظر نمی رسد. باید گفت که بدبختی های افغانستان را می توان در پس زمینه رقابت های پاکستان و هند و مخصوصاً مسأله کشمیر مطالعه کرد. کنترل کامل کشمیر توسط هند به معنای هم مرز شدن این کشور با افغانستان است و دریچه ای به آسیای مرکزی تلقی خواهد شد. هم چنین که هم مرز بودن با چین را برای پاکستان قطع و امنیت آبی پاکستان را شدیداً تهدید خواهد کرد. با این وجود، اکثر کارشناسان هندی باور دارند که توافق ایالات متحده با طالبان، افغانستان را دو دسته تقدیم پاکستان و طالبان کرده است.

این کشور، طالب، شبکه حقانی، جیش محمد و لشکر طیبه را نایب پاکستان در افغانستان می داند و خواهان یک پناهگاه برای نیروهای ضد هندی در

بیشترین ذخایر گازی و نفتی چین در همین ولایت مدفون است. هم چنان سین کیانگ نقطه وصل چین با آسیای مرکزی، هند و پاکستان است، ابتکار جهانی «یک کمربند یک راه» از مقصد همین ناحیه شروع می شود و این که محل آزمایش تکنولوژی های اتمی چین کوه های همین ایالت است. چین از این ناحیه به شدت احساس خطر می کند و به هیچ وجه خواهان بی ثباتی در کنار مرز خود نیست.

بی ثباتی در افغانستان به چین نیز رخنه خواهد کرد. بی ثباتی در افغانستان می تواند لانه امنی به افراطی های اویغور فراهم کند. شواهدی وجود دارد، دل بر این که اسلام گرایان اویغور به شبکه های تروریستی منطقه متصل و در حال رفت و آمد هستند. گزارش هایی نیز از حضور اویغورها در صفوف شاخه خراسان داعش در دست است.^۳ این جنگ جویان می توانند ایدئولوژی شان را در سین کیانگ پخش و جمعیت این ولایت را رادیکالیزه و به این وسیله امنیت سیاسی و اقتصادی چین را تهدید کنند. به منظور مقابله با این تهدیدها و تأمین امنیت مرزهایش، چین وعده پرداخت هزینه ایجاد یک لوی کوهی (Mountain Brigade) را در واخان داده بود.^۴

امنیت وابسته به شکوفایی اقتصادی است. از لحاظ اقتصادی، چین ظرفیت بیش از حد (Overcapacity) را در صنایعش تجربه می کند. به همین منظور در صدد تخلیه و صادر کردن این ظرفیت به خارج از مرزهایش و دستیابی به بازار جدید است.^۵ در واقع یکی از علت های راه اندازی ابرپروژه یک کمربند یک راه، همین صادر کردن ظرفیت های صنعتی چین به بیرون است. با وجود بی ثباتی در کنار مرزهای چین، ممکن است موفقیت حداکثری در این پروژه حاصل نشود. افغانستان اگر چه مستقیماً - به دلیل بی ثباتی در این پروژه گنجانده نشده است، اما در صورت ثبات در این کشور ممکن است چین دوباره به سرمایه گذاری در افغانستان دست بزند. افزون بر این، یاد مان نرود که در اعماق زمین افغانستان فلزات و منابع بسیار باارزشی مثل لیتیم و اورانیوم مدفون است که در آینده می تواند جایگزین نفت شود که برای چین فوق العاده بااهمیت است. همه این ها وابسته به ثبات در افغانستان است.

چین را «ژدهای در حال خیزش» عنوان کرده اند. این کشور به دنبال ارتقای وجهه سیاسی اش در سطح بین الملل است. با این حال، اگرچه این کشور خواهان نقشی هم چون ایالات متحده در منطقه نیست، اما نقش های محدودی چون صلح سازی، میانجی گری و مجرای برای گفت و گو برای خود تعریف کرده است. در سال های اخیر وزیر خارجه چین با هدف کاهش تنش ها بین پاکستان و افغانستان، چندین تلاش قابل ملاحظه ای را انجام داده است. مضاف بر این، این کشور چندین بار با طالبان نیز دیدار کرده است. آوردن ثبات در افغانستان پسا امریکا به هم کاری چین، می تواند نفوذ این کشور در سطح بین الملل را افزایش دهد. با این حال به نظر می رسد که چین به دلیل افسانه «قبرستان امپراتوری ها» نسبت به افغانستان محتاط است و احتمال یک روی کرد مشارکت گرایانه ای را نسبت به افغانستان در پیش بگیرد.

روسیه: روسیه بنا بر دو دلیل عمده، خواهان افغانستان باثبات است: احیای نفوذ سیاسی و مهار تروریسم.

احیای نفوذ سیاسی: ماه عسل جنگ سرد برای روسیه تمام شده است. بعد از فروپاشی شوروی، روسیه برای مدتی نقش پررنگی در امورات بین المللی نداشت و بیش تر درگیر مسایل داخلی خود بود؛ اما اکنون این کشور به دنبال نقش های پررنگ تری در امورات بین المللی است. مانورهای اخیر مسکو در سوریه (اخیراً نقش میانجی گری آن بین کردها و نیروهای دولتی سوریه) و در آذربایجان - ارمنستان به خوبی نشان می دهد که روسیه می خواهد جایگاه خود به عنوان یک بازیگر سرنوشت ساز در منطقه را تحکیم و خود را حلال منازعات عنوان کند.

آسیای مرکزی به عنوان عمق استراتژیک روسیه، جایگاه خاصی برای این کشور دارد. تحولات افغانستان بر پویای این منطقه تأثیر گذار است و این کشور می خواهد در شکل دادن آینده پسا امریکای افغانستان سهیم باشد. مسکو تماس هایی را با گروه های مختلف افغان، از جمله طالبان برقرار کرده و چندین بار میزبان گفت و گوهای افغان ها بوده است. تحلیل گران می گویند که استراتژی روسیه در افغانستان «مقابله با نفوذ ایالات متحده، اعم سخت افزاری و نرم افزاری

«مشکلات افغانستان سرشت منطقه ای دارد.» - بارنت روبین^۱

«همسایه گان، نزدیک ترین کشورهایی هستند که از وضعیت افغانستان یا ضرر می بینند، یا سود می برند. ... همسایه گان باید [در] حلقه اصلی تنظیمات آینده] افغانستان اقرار داشته [باشند] - جواد ظریف
نظم بین الملل از نظم بعد از ۲۰۰۱ میلادی فاصله گرفته است. ظاهراً توانایی های ایالات متحده در امور بین المللی در حال کاهش است و اقتدار جهانی این کشور به شدت توسط رقبا، به ویژه چین، به چالش کشیده می شود. ایالات متحده از آن نگاهی که دو دهه پیش در سطح بین الملل داشت، عدول کرده است و به دنبال کاهش هزینه های خود در نقاط مختلف جهان است. در همین خطه، افغانستان قرار می گیرد: بعد از بیست سال حضور در افغانستان، به نظر می رسد که ایالات متحده عزم رفتن دارد و طبق اعلامیه های مقامات امریکایی، این کشور افغانستان را تا اواسط سال ۲۰۲۱ ترک خواهد کرد - اگرچه ممکن است بایدن تعداد اندکی از نیروهای ویژه امریکایی را در افغانستان نگه دارد. با این حال، هر یک از رقبای ایالات متحده، از حضور بیست ساله این کشور در افغانستان، هم نفع برده و هم آن را به دید شک نگریسته است: اولی به دلیل مبارزه امریکا علیه افراط گرایی که از این جهت خود کشورهای منطقه ای از تقبل مسوولیت های مبارزه با تروریسم معاف ماندند و ایضا به این دلیل که توجهی برای عملیات بر ضد گروه های داخلی خودشان یافتند و دومی، به دلیل حضور ایالات متحده در «حیات خلوت» این کشورها - مورد دوم ظاهراً بیش تر چربیده است.

آن چه که نمی توان به آن شک کرد، همان طور که روبین و ظریف می گویند، تعیین کننده بودن نقش قدرتهای منطقه ای در افغانستان است؛ یک افغانستان باثبات یا بی ثبات، قدرت های منطقه ای همواره در تحولات افغانستان دخیل بوده اند (ذکر تاریخ آن فارغ از حوصله این نوشتار است). بعد از خروج ایالات متحده از افغانستان، یک بار دیگر روزنه ای برای نقش آفرینی این کشورها باز خواهد شد. شکی نیست که بعد از خروج ایالات متحده از افغانستان، دولت دچار شوک خواهد شد؛ خلا به جا خواهد ماند و قدرت های منطقه ای سعی در پر کردن آن خواهند کرد. نکته دیگری که باید گفت، این است که با خروج ایالات متحده، کشورهای منطقه ای وقتی به دموکراسی افغانستان نخواهند گذاشت. قدرت های منطقه ای که بیش ترین تأثیر را بر تحولات افغانستان خواهند گذاشت؛ چین، روسیه، هند، پاکستان، ایران و عربستان است. «این ها چه نقشی در تحولات پسا امریکایی افغانستان ایفا خواهند کرد؟» سوالی است که این نوشتار، به صورت خیلی فشرده، سعی در ارائه پاسخ آن دارد.^۲

این نوشتار، خودش را به یک نظریه تحلیلی محصور نکرده است. هر یک از نظریه های تحلیلی قادر است، صرفاً بخشی از زوایای اتفاقات جاری را توضیح بدهد؛ اما شاید بتوان در یک دسته بندی ساده، ابتدا کشورهای منطقه را به سه دسته ثبات طلب، برتری طلب و بی ثبات طلب تقسیم کرد و سپس به واری پویای آنان پرداخت. فرض بر این است که دسته اول، نفع شان در ثبات دولت افغانستان نهفته است؛ چرا که به دنبال فروپاشی نظم در این کشور، هر یک از این کشورها، با درجات مختلف، در برابر بی ثباتی ها مصون نخواهند ماند و ممکن است، بعد از خروج ایالات متحده جلو بی ثباتی در افغانستان را بگیرند. دسته دوم، ایران و عربستان سعودی، ثبات در افغانستان را طبق منافع خودشان تعریف کرده اند و تحمل روی کار آمدن حکومت نزدیک به رقیب خود در افغانستان را ندارند. دسته سوم، پاکستان، نفعش را در حفظ وضع موجود و یا در فروپاشی دولت افغانستان می بیند.

۱. ثبات طلبان

چین: چین بنا بر سه دلیل، خواهان یک افغانستان باثبات است: امنیتی - ژئوپلیتیکی، اقتصادی و سیاسی. شاید مهم ترین دلیلی را که می توان در ثبات خواهی چین نسبت به افغانستان بر شمرد، امنیتی - ژئوپلیتیکی باشد. افغانستان از طریق واخان بدخشان با سین کیانگ چین مرز مشترک دارد. این مرز هر چند کوتاه، اما برای چین فوق العاده حساس است. این ولایت از لحاظ جمعیت شناختی، مسلمان (اویغور) و بالقوه مستعد افراط گرایی است. گرایش های گریز از مرکز نیز در آن بالا است. این ناحیه از لحاظ استراتژیک برای چین فوق العاده حیاتی است:

1- Rubin, Barnett R. (9 Dec, 2020). There Is Only One Way Out of Afghanistan. Foreign Affairs. Available on: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2020-12-09/there-only-one-way-out-afghanistan>

۲- گفتگوی طلوع نیوز با جواد ظریف. دقائق ۲۶-۳۰ - ۲۷:۱۳ قابل دسترسی در:

<https://m.youtube.com/watch?v=IVbDbg4dz3Q&t=1633s>

3- Giustozzi, Antonio. (2018). The Islamic State in Khorasan: Afghanistan, Pakistan and the New Central Asian Jihad. pp. 61; 132. London: Hurst.

4- Chan, Minnie. (28 Aug, 2018). China is Helping Afghanistan Set Up a Mountain Brigade to Fight Terrorism. South China Morning Post. Available on: <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy-defence/article/2161745/china-building-training-camp-afghanistan-fight>

۵- برای مطالعات بیشتر در این مورد رجوع کنید به:

Small, Andrew. (2018). Choosing Not to Choose: The Belt and Road Initiative and the Middle East. In: Reardon-Anderson, James. (Ed.) The Red Star and the Crescent: China and the Middle East. pp. 189-203. New York: Oxford University Press.

Summers, Tim. (2018). Rocking the Boat? China's "Belt and Road" and Global Order. In Ehteshami, Anoushiravan & Niv Horesh (Ed.) China's Presence in the Middle East: The Implications of the One Belt, One Road Initiative. pp. 24-34. New York: Routledge.

Marky, Daniel S. (2020). China's Western Horizon: Beijing and the new Geopolitics of Eurasia. pp. 47-50. New York: Oxford.

6- Gurganus, Julia. (2 Jan, 2018). Russia's Afghanistan Strategy: How Moscow Is Preparing to Go It Alone. Foreign Affairs. Available on: <https://www.foreignaffairs.com/articles/afghanistan/2018-01-02/russias-afghanistan-strategy>

7- Gohel, Sajjan M. & Allison Baily. (1 July, 2020). After the United States Leave, Russia Is in Afghanistan to Win. Foreign Policy. Available on: <https://foreignpolicy.com/2020/07/01/russia-afghansitan-united-states-bountygate/>

8- Rashid, Ahmad. (11 Nov, 2010). The Road to Kabul Runs Through Kashmir. Foreign Policy. Available on: <https://foreignpolicy.com/2010/11/11/the-road-to-kabul-runs-through-kashmir/>

9- Chaudhuri, Rudra & Shreyas Shende. (2020). Dealing With the Taliban: India's Strategy in Afghanistan After US Withdrawal. pp. 6-11. New Delhi: Carnegie Endowment for International Peace. Available on: <https://carnegieindia.org/2020/06/02/dealing-with-taliban-india-s-strategy-in-afghanistan-after-u.s.-withdrawal-pub-81951>

۱۰- ر.ک به

Hiro, Dilip. (2018). Cold War in the Islamic World: Saudi Arabia, Iran and the Struggle for Supremacy. New York: Oxford University Press.

قوام گران آرامی یا..

احتمال می‌رود که رقابت‌های این دو کشور به افغانستان کشیده شود. با رفتن ایالات متحده از کشور، افغانستان قطعاً سهم بیشتر در سیاست خارجی این دو کشور پیدا خواهد کرد. به نقل از یک افسر سرویس اطلاعاتی سعودی، جیستوزی می‌نویسد: «اهداف عربستان سعودی در افغانستان... ایجاد نوعی از حکومت اسلامی است که با پاکستان روابط دوستانه و با ایران روابط خصمانه داشته باشد. به موازات این، اهدافی شامل جلوگیری از رشد گروه‌های مرتبط با ایران، آسیب‌رساندن به منافع ایران، حفظ نفوذ بر سازمان‌های مختلف جهادی و حمایت از اهداف پاکستان - متحد سعودی - نیز تعقیب می‌شود.» به گفته جیستوزی، «به نظر می‌رسد که کشف روابط نزدیک طالبان با ایرانی‌ها، به سعودی‌ها شوک وارد کرده و آن‌ها را به سمت سایر گروه‌های جهادی قابل اعتمادتر سوق داده است.» همان افسر اطلاعاتی در ادامه «پشتیبانی از شاخه خراسان داعش، به عنوان یکی از چندین ابزار مبارزه سعودی با ایران» را برای جیستوزی تصدیق کرده است.

کابوس واقعی برای افغانستان این خواهد بود که سعودی‌ها به راستی بخواهند، برتری تهران در سوریه، یمن، عراق و تا حدی لبنان را در افغانستان و به واسطه سازمان‌های هم‌چون شاخه خراسان داعش تلافی کند. این استراتژی ممکن است برای سعودی‌ها اغواکننده باشد؛ چرا که تهران بنا به چند دلیل نسبت به افغانستان به شدت آسیب‌پذیر است: در صورت بی‌ثباتی و بازکردن جبهه جدیدی در افغانستان، توانایی نظامی ایران رو به فرسایش خواهد رفت، اولویت‌های دیگر داخلی و منطقه‌ای برایش کاهش پیدا خواهد کرد، سبلی از مهاجران به این کشور سرازیر خواهد شد، بازارهای افغانستان را از دست خواهد داد و مهم‌تر از همه جنبش‌های ضدایرانی - ضدشیعی مرکز ثقلی خواهند یافت که در وضعیت

ایده‌آل این همه می‌تواند مستقیماً ایران را زمین‌گیر کنند. در این صورت، آیا ایران آرام خواهد نشست؟ شخصاً چنین فکر نمی‌کنم.

۳. بی‌ثبات طلب

پاکستان: پاکستان از زمان استقلالش خواهان یک دولت ضعیف در افغانستان بوده است. دولت قوی که بتواند ادعاهای ارضی‌اش را دنبال کند، پاکستان را اصلی‌ترین تهدید امنیتی بداند و برای مقابله با آن از هند کمک بطلد، برای پاکستان قابل‌پذیرش نیست. با این همه، باید گفت که پاکستان از بُعد داخلی متحد نیست: اقوام بلوچ، سند و پشتون همواره اقتدار دولت که به زعم‌شان پنجابی است را به چالش کشیده‌اند. چیزی که پاکستان را کنار هم منسجم نگه داشته، این است که این کشور هویتش را در ضدیت با هند تعریف کرده است. افغانستان به گونه‌ای وسط آسیایب گیر کرده است؛ آسیایی که هر یک از طرفین، پاکستان و هند، برای خنثاکردن دیگری، به دنبال شکل‌دادن دولت افغانستان در مسیر دلخواه خود است. به گفته یکی از کارشناسان، افغانستان «خود را در یک مثلث مرگ‌بار هند، پاکستان، افغانستان یافته است».

با خروج ایالات متحده از افغانستان، نفوذ پاکستان در این کشور افزایش خواهد یافت. عامل عمده‌ای را که می‌توان تأییدکننده این فرضیه عنوان کرد، این است که پاکستان در افغانستان هم حضور نرم‌افزاری دارد و هم سخت‌افزاری. ارتباط طالبان و شاخه‌های نزدیک به آن با آی‌اس‌آی، حضور سخت‌افزاری پاکستان را تضمین کرده است. پاکستان سال‌ها طالبان را پرورش داده و حامی این گروه بوده است. حال که طالب شانس برای حکومت در افغانستان یافته است، بعید به نظر می‌رسد که از اوامر مرشدش تمرد کند.

برای کسانی که پاکستان را مورد مطالعه قرار داده‌اند، پوشیده نیست که امور خارجی و امنیت ملی این کشور

در دستان امثال قمر جاوید باجو و فیض حمید قرار دارد. در همین رهگذر، اگرچه خود پاکستان ممکن است در برابر فروپاشی تمام‌عیار نظم در افغانستان آسیب‌پذیر شود، اما شاید فروپاشی دولت، از نزدیکی افغانستان به هند برای پاکستان بهتر باشد.

وضعیت هابزی؟

باید گفت هر قدر که منافع نیروهای داخلی و قدرت‌های خارجی با هم اصطکاک پیدا کند، به همان پیمان به لبه پرتگاه نزدیک‌تر می‌شویم. قطع حمایت‌های بین‌المللی و تفرق در حکومت افغانستان نیز بالقوه عامل فروپاشی دولت خواهد بود. دولت که سقوط کند، قطعاً یک وضعیت هابزی تمام‌عیار در پی خواهد آمد. از فضای روزگار، محرک‌های تفرق بسیار بالا است: «حکومت موازی اعلام می‌کنیم»، «هر یک جناح‌های افغانی به یک قدرت منطقه‌ای وصل است»، «...به ما گفتند که کابل را به مسلخ شیعیان تبدیل می‌کنیم»، «تقسیم قدرت بین طالب و حکومت، تقسیم قدرت بین گلجایی و درانی است» و اظهارات از این دست، همه رانه‌های واگرایی است و نواهای «آواره‌گی» را نطنین‌انداز می‌کند. با چنین وضعی به سختی می‌توان به آینده امیدوار بود.

چه باید کرد؟

فرصت بحث درباره بُعد داخلی تحولات جاری اندک است. اما آن‌چه که می‌توان در قدم اول انجام داد، این است که حکومت باید صرفاً از یک مجرا وارد تعامل با کشورهای منطقه شود. این فردمجرا باید به ضعف‌های کشورهای دخیل در جنگ و صلح افغانستان واقف باشد و از آن در راستای منافع ملی بهره‌گیرد. باید گفت هر چند که همه کشورهای ثابت‌طلب، نقاط

افتراقی در برابر پروسه افغانستان دارند، نقاط اشتراک نیز است. چیزی که بین آنان مشترک است، این است که خواهان بی‌ثباتی و آشوب و خواهان قدرت‌گرفتن گروه‌هایی مثل داعش که داعیه جهاد جهانی دارند در افغانستان نیستند. از این‌رو ممکن است از یک نظم اقتدارگرایی که بتواند منافع آنان را تأمین و داعش را متوقف کند، حمایت کنند.

با این قیاس نماینده دولت افغانستان باید بتواند منافع کشورهای ثابت‌طلب را موازنه و پشت یک فرمول قابل‌قبول گره بزند. یک فرمول تسهیم قدرت که بتواند تمام بازی‌گران را قانع کند که می‌تواند یک راه‌حل باشد - هر چند مقطعی.

کشورهای منطقه‌ای به تنهایی توانایی اقتصادی به عهده‌گرفتن مسوولیت افغانستان را ندارند. چین که از این توان برخوردار است، از ریسک «تنها رفتن به خرابه» ترس دارد. آن‌چه که نخبه‌گان حکومت می‌توانند، انجام دهند، این است که به سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مراجعه کنند. می‌توان از همین حالا سازمان ملل و بیش‌تر از آن، سازمان هم‌کاری‌های شانگهای که اکثر کشورهای دخیل در افغانستان عضو یا ناظر آن اند را به حمایت و هم‌کاری با افغانستان ترغیب و دعوت کرد.

آسیب‌پذیری‌های پاکستان هم مختصراً مسطور افتاد. علاوه بر آن، با این‌که پاکستان خواهان یک افغانستان آشفته است، نباید فراموش کرد که چین بر پاکستان نفوذ زیادی دارد. چین هم‌کار تکنولوژی‌های اتمی، نظامی و اقتصادی پاکستان است (پکن صرفاً در بندر گوادر به صدها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری متعهد شده است). اگر با چین هوشیارانه برخورد شود، ممکن است، نقش پاکستان را تاحدی سازنده بسازد، هم‌چنان که می‌تواند بین ایران و عربستان موازنه برقرار کند.

11- Giustozzi, Antonio. (2018). The Islamic State in Khorasan: Afghanistan, Pakistan and the New Central Asian Jihad. pp. 38. London: Hurst.
12- Constantino, Zachary. (2020). The India-Pakistan Rivalry in Afghanistan. pp. 3. Special Report NO. 462. Washington: United States Institute of Peace. Available on: <https://www.usip.org/publications/2020/01/india-pakistan-rivalry-afghanistan>

نخستین جشنواره «جایزه ادبی اکرم عثمان» در سویدن برگزار می‌شود



مسعود قیام

کلوب فرهنگی - هنری فردا در شهر استکهلم سویدن، نهاد فعال و اثرگذار فرهنگی افغان‌ها در سطح اروپا است. این نهاد غیروابسته، طی بیش از دو دهه فعالیت، مجری برنامه‌های مهم فرهنگی، هنری و علمی بوده است. برگزاری «جشنواره جهانی قلم سماع» که برای بیش از یک دهه افتخار حضور سینماگران افغانستان، منطقه و جهان را داشته، یکی از نمونه‌های بارز فعالیت کلوب فرهنگی - هنری فردا است.

- آقای محمد آصف سلطان‌زاده، نویسنده و منتقد ادبی.
- خانم صفیه صدیقی، نویسنده و شاعر.
- آقای فاروق فردا، نویسنده، شاعر، روزنامه‌نگار و منتقد ادبی.
- آقای سیامک هروی، نویسنده و روزنامه‌نگار.

درباره کلوب فرهنگی - هنری فردا

کلوب فرهنگی - هنری فردا در شهر استکهلم سویدن، نهاد فعال و اثرگذار فرهنگی افغان‌ها در سطح اروپا است. این نهاد غیروابسته، طی بیش از دو دهه فعالیت، مجری برنامه‌های مهم فرهنگی، هنری و علمی بوده است. برگزاری «جشنواره جهانی قلم سماع» که برای بیش از یک دهه افتخار حضور سینماگران افغانستان، منطقه و جهان را داشته، یکی از نمونه‌های بارز فعالیت کلوب فرهنگی - هنری فردا است. برگزاری چندین بزرگداشت برای شخصیت‌های ادبی، ده‌ها کنسرت و گردهمایی ادبی و علمی و هم‌چنین مدیریت نشریه و سایت «فردا»، بخش‌های دیگری از فعالیت‌های این نهاد فرهنگی - هنری است.



- خانم فروغ کریمی، روان‌پزشک، روانکاو، نویسنده و منتقد ادبی.
- آقای محمداکبر کرگر، نویسنده، منتقد ادبی و پژوهش‌گر مسایل عرفانی.

برگزاری اولین جشنواره ادبی اکرم عثمان فراهم آید، قرار را بر این گذاشتیم که دوازدهم ماه ثور سال ۱۴۰۰ که مصادف با زادروز آن بزرگ‌مرد است، این جشنواره را حتماً برگزار کنیم.»

آقای غفوری می‌گوید که هدف آنان در این جشنواره، معرفی چهره‌های برتر و تازه در عرصه داستان‌نویسی افغانستان است. «ما طی فراخوانی که به سه زبان فارسی، پشتو و انگلیسی، از طریق سایت و فیس‌بوک فردا به نشر رسیده است، از همه داستان‌نویسان افغانستان، در داخل و خارج کشور، دعوت کردیم تا با ارسال دو اثر داستانی خود، در این جشنواره شرکت کنند.»

رحیم غفوری می‌افزاید که تمام کوشش آنان بر این است که اسباب تشویق داستان‌نویسان و رشد داستان‌نویسی کشور را فراهم آورد. «گروه داوران جشنواره، به سه اثر برگزیده، در هر یک از زبان‌های فارسی و پشتو، "جایزه ادبی اکرم عثمان" را اهدا خواهد کرد و داستان‌های برگزیده این جشنواره در قالب یک کتاب ویژه، چاپ خواهد شد.»

داوران «جشنواره ادبی اکرم عثمان - ۲۰۲۱»

کلوب فرهنگی - هنری فردا در سویدن برای گرامی‌داشت از کارنامه ادبی نویسنده پرآوازه کشور، زنده‌یاد داکتر اکرم عثمان، برای نخستین بار جشنواره‌ای را به نام «جایزه ادبی اکرم عثمان» برگزار می‌کند.

این جشنواره، در سال جاری، داستان‌های کوتاه به زبان‌های پشتو و دری می‌پذیرد و به گفته مسوولان برگزارکننده، تمرکز این جشنواره بر داستان‌های کوتاه داستان‌نویسان برتر و تازه است.

مهلت پذیرش آثار ادبی در ششم دلو، به پایان می‌رسد و در نظر است که دوازدهم ماه ثور سال ۱۴۰۰، این جشنواره برگزار شود. رحیم غفوری، مدیر برگزاری «جشنواره ادبی اکرم عثمان» به روزنامه ۸ صبح درباره این جشنواره توضیح داده است: «بعد از وفات داکتر اکرم عثمان، داستان‌نویس و شخصیت برجسته فرهنگی کشور، کلوب فرهنگی - هنری فردا، برای گرامی‌داشت جایگاه والا و کارکردهای درخشان ادبی آن زنده‌یاد، تصمیم گرفت که هر ساله جشنواره ادبی به نام «جایزه ادبی اکرم عثمان» برگزار کند. از آن جایی که برگزاری چنین جشنواره‌ای، نیاز به مطالعه، دقت بیشتر و در نهایت بودجه داشت، در سه سال گذشته موفق نشدیم، آن را برگزار کنیم. در اواخر سال گذشته میلادی، به امید این‌که آفت کرونا برطرف شود و امکان

دبیر بخش ویدیو: خیرنگاران:



صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسوول: مجیب مهرداد
سرمدیر: خلیل اسیر
دبیر گزارش‌ها: حسیب بهش
دبیر بخش خبر: علی شاه حقمیل
دبیر بخش صلح: آسیه حمزه‌ای
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:
Mujib Mehrdad
mujib_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

محمدنصیر کاوشگر

عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، زهرا عطایی، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شعب حکیمی، پرویز کامروز
علی نظری، اسحق علی احساس
رضا مرادی
Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰
صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی پستی: تایمنی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

STUDENT'S ACCOUNT



حساب جاری محصلین/متعلمین

عزیزی بانک مسرت دارد که محصول ویژه ای خود را به نام "حساب جاری محصلین/متعلمین" راه اندازی کرده است. با افتتاح حساب متذکره، برای محصلین/متعلمین، کارت مجانی ماشین خود پرداز صرافتی و ماستر دیت کارت با تخفیف فیس سالانه داده میشود.

www.azizibank.af 1515



عزیزی بانک
Azizi Bank

هشدار سازمان ملل در مورد «پی آمدهای انسانی» تصمیم جدید امریکا علیه حوثی‌ها



تصمیم تازه دولت ترمپ برای اضافه کردن جنبش حوثی‌های یمن به فهرست سازمان‌های تروریستی، باعث سردرگمی سازمان‌های امدادی در این کشور شده و اخطارهای سازمان ملل و جمهوری خواهان ارشد را نیز به دنبال داشته است.

به نقل از رادیو فردا و به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، مقام‌ها و نهادهای مختلف با ذکر این که یمن در معرض خطر قحطی قرار دارد، گفتند که این تصمیم می‌تواند تأثیر انسانی مخربی بر این کشور درگیر جنگ بگذارد.

گروه حوثی‌های مورد حمایت ایران، شمال یمن را در دست دارد و گروه‌های امدادی برای کمک‌رسانی به مردم یمن ناگزیر اند با این گروه کار کنند. امدادگران و کمک‌های امدادی از طریق فرودگاه صنعا و بندر حدیده که در اختیار حوثی‌ها است، وارد یمن می‌شوند.

در روزهای اخیر منابع آگاه به خبرگزاری رویترز گفتند که دولت ترمپ ضمن تروریستی نامیدن حوثی‌ها، مجوزهایی نیز صادر می‌کند که روند ارسال کمک‌های بشردوستانه به یمن قطع نشود. یک «منبع مطلع» در گفت‌وگو با رویترز تأکید کرده است که تحریم‌های ایالات متحده مانع سازمان‌های امداد و کمک برای انجام اقدام‌های انسان‌دوستانه آن‌ها نمی‌شود.

با وجود این، روز سه‌شنبه استفان دیواریچ، سخنگوی سازمان ملل، گفت که ابعاد عملیات بشردوستانه سازمان ملل در یمن «عظیم» است و این اقدام ایالات متحده «احتمالاً پی‌آمدهای جدی انسانی و سیاسی خواهد داشت».

بنا بر گزارش‌ها، سازمان‌های امدادی روز دوشنبه از تصمیم جدید واشنگتن ابراز تأسف کرده و دیوید میلیبند، مدیر اجرایی «کمیته نجات بین‌المللی»، این تصمیم را «یک خراب‌کاری کامل دیپلماتیک» خواند.

گروه حوثی‌ها که هم‌چنین با نام انصارالله شناخته می‌شود، شمال یمن را در اختیار دارد.

وزیر خارجه پیشین بریتانیا در ادامه گفت: «آخرین چیزی که مردم یمن به آن نیاز دارند، قطع بیش‌تر کمک‌های انسانی و اقتصادی است.»

او اضافه کرد: «به عکس چنین اقدامی نیاز داریم، یعنی فشار مؤثر بر همه طرف‌های درگیر تا استفاده از غیرنظامیان به عنوان گروگان در بازی‌های جنگی خود را کنار بگذارند.»

در همین حال سناتور جیم ریش، رئیس جمهوری خواه کمیته روابط خارجی سنای امریکا و مایکل مک‌کول، نماینده ارشد جمهوری خواه در کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان ایالات متحده، نیز در بیانیه مشترکی ابراز نگرانی کردند که بدون در نظر گرفتن برخی ارفاق‌ها، این تصمیم دولت ترمپ «تأثیرات ویران‌گر بر امور بشردوستانه خواهد داشت».

به نوشته آسوشیتدپرس، چندین گروه امدادگران از بایدن درخواست کرده‌اند که بلافاصله این تصمیم را تغییر دهد.

بنا بر این گزارش، تیم انتقالی بایدن هنوز نظر با تصمیم خود را در این رابطه بیان نکرده است.

مقام‌های حوثی در قبال این تصمیم دولت ترمپ حالتی ستیزه‌جویانه به خود گرفته و محمدعلی الحوثی، رئیس کمیته عالی انقلاب این گروه، در توییت خود نوشته است که «ما ترسی از این اقدام نداریم».

در ایران نیز سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، گفته است این اقدام «محکوم به شکست» است و ایالات متحده در نهایت باید با حوثی‌ها وارد مذاکره شود.

پرونده انفجار بیروت؛ انتروپول برای دو روس و یک پرتگالی دستور پی‌گرد بین‌المللی صادر کرد

آقای پروکوشف چند روز پس از انفجار بیروت به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفته بود که او در سال ۲۰۱۳ و پس از استعفای خدمه قبلی به دلیل عدم پرداخت دست‌مزد، در ترکیه هدایت این کشتی را برعهده گرفته بود. کاپیتان پیشین کشتی رزوس هم‌چنین خاطرنشان کرده بود که آقای گرچوشکین یک میلیون دالر برای حمل محموله نیترات آمونیوم از مبدا گرجستان به مقصد موزامبیک دریافت کرده است.

از زمان وقوع این انفجار تاکنون نزدیک به ۳۰ نفر از مسوولان بندر و گمرک بیروت بازداشت و بازجویی شده‌اند. ماه گذشته نیز دادستان تحقیق پرونده این انفجار، حسن دیاب، نخست‌وزیر وقت لبنان و سه وزیر پیشین کابینه او را به سهل‌انگاری منجر به انفجار، متهم کرد.

محموله نیترات آمونیوم به عنوان ماده منفجره که در تهیه کودهای شیمیایی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، پیش از انتقال به مقصد نهایی، حدود شش سال در بندر بیروت انبار شده بود.

انفجار چهارم آگست این محموله در بندر بیروت موجب کشته شدن ۲۰۰ تن و مجروح شدن صدها نفر دیگر شد و خرابی بسیاری در شهر بیروت به بار آورد.

به گزارش یورو نیوز، انتروپول (پولیس بین‌الملل) برای دو روس و یک پرتگالی به دلیل دست داشتن در حمل محموله نیترات آمونیوم منفجر شده در بندر بیروت، دستور پی‌گرد بین‌المللی صادر کرد. خبرگزاری دولتی لبنان با اعلام این خبر گزارش داد که دستور انتروپول برای مالک و کاپیتان کشتی رزوس (Rhosus) که دو هزار و ۷۵۰ تن نیترات آمونیوم را در سال ۲۰۱۳ به بندر بیروت حمل کرده و نیز یک تاجر پرتگالی نیترات آمونیوم صادر شده است.

انتروپول در حکم غیرالزام‌آور خود از نهادهای جهانی برای یافتن و بازداشت موقت این افراد کمک خواسته است. این حکم بنا بر درخواست غسان خوری، دادستان دولت لبنان، صادر شده است.

هرچند خبرگزاری دولتی لبنان از افشای اسامی این سه نفر امتناع کرده، ولی رسانه‌های محلی فاش کرده‌اند که حکم انتروپول مشمول بوریس پروکوشف، کاپیتان سابق کشتی و ایگور گرچوشکین، تاجر روسی مقیم قبرس که در سال ۲۰۱۲ این کشتی باری را خریداری کرده و خورخه مانویل میرا نتو موریرا، تاجر پرتگالی، شده است.



استقبال اتحادیه اروپا از روی کرد دولت جو بایدن در قبال برجام

حفظ آن ادامه داده است.» بارل دربارہ غنی‌سازی ۲۰ درصدی یورانیوم از سوی ایران، به مقام‌های آن کشور هشدار داد و جمهوری اسلامی را فرا خواند تا از افزایش تنش در ارتباط با توافق هسته‌ای پرهیز کنند. هماهنگ‌کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا هم‌چنین از ایران درخواست کرد که به همکاری کامل و به موقع خود با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادامه دهد.

ایران از سوی دیگر، کشورهای آلمان، فرانسه و بریتانیا را متهم به همکاری و پشتیبانی از سیاست‌های تحریمی امریکا علیه خود کرده است.

جوزپ بورل این اتهام را بی‌اساس خوانده و تأکید کرد که اتحادیه اروپا به همه تعهدات برجامی خود و از جمله تعهدات ناظر بر تحریم‌ها عمل کرده است.

هماهنگ‌کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفت: «به رغم چالش‌های جدی که توافق هسته‌ای را تهدید می‌کنند، اتحادیه اروپا به تلاش خود برای نجات و

به گزارش دویچه‌وله فارسی، اتحادیه اروپا اعلام کرده است که در همراهی با دولت بایدن در راستای نجات توافق هسته‌ای با ایران تلاش خواهد کرد.

جوزپ بورل، هماهنگ‌کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا، روز گذشته از اظهارات جو بایدن و مشاوران او در رابطه با بازگشت امریکا به توافق هسته‌ای با ایران استقبال کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه بورل گفته است: «ما از روی کرد رئیس جمهوری جدید امریکا، جو بایدن، در قبال توافق هسته‌ای استقبال می‌کنیم و خواستار همکاری با دولت جدید ایالات متحده در این رابطه هستیم.»

هماهنگ‌کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا تصریح کرد: «این اتحادیه همه تلاش‌های دیپلماتیک خود را به کار خواهد گرفت تا راه بازگشت امریکا به توافق هسته‌ای با ایران را هموار کند و زمینه را برای پایبندی کامل ایران به تعهدات برجامی خود فراهم سازد.»

در پی تصمیم دونالد ترمپ در سال ۲۰۱۸، امریکا از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد و پس از آن تحریم‌هایش علیه این کشور را پیوسته تشدید کرد.

جمهوری اسلامی ایران نیز در واکنش به خروج امریکا از توافق هسته‌ای، از سال ۲۰۱۹ اقدام به کاهش گام‌به‌گام اجرای تعهدات برجامی خود کرده است. جدی‌ترین گام ایران در نقض تعهدات برجامی، اقدام به افزایش غنی‌سازی یورانیوم به میزان ۲۰ درصد اعلام شده است.

